

معلم بپاخیز برای رفع تبعیض

مبارزات پر شکوه معلمان تا پیروزی ادامه خواهد داشت

روز پنجشنبه دوم دی ماه ۱۴۰۰، معلمان کشور با طنین شعارهایی نظیر "معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض" و "معلم زندانی آزاد باید گردد" یک بار دیگر تجمعات سراسری خود را در بیش از ۱۰۰ شهر برگزار کردند. این تجمعات، در ادامه اعتصابات و اعتراضات قبلی معلمان با خواست همسان سازی بر پایه حداقل ۱۳ میلیون تومان برای بازنشستگان و اعتراض به تصویب ناقص طرح رتبه بندی شاعلان بود که برای چندمین بار در مقیاس سراسری برگزار شد. اعتراضات پرشکوه دوم دی که همانند تجمعات قبلی با اراده استوار و خلل ناپذیر معلمان در کف خیابان ها انجام شد، بذر امید و ایستادگی و همبستگی مبارزاتی را در دل عموم معلمان و توده های مردم ایران افشاند و نشان داد که اعتراضات معلمان برای تحقق خواست های بر حق شان عمیق تر از آن است که با تهدید و احضار و دستگیری این یا آن معلم متوقف شود.

برپایی شکوهمند اعتراضات سراسری معلمان در دوم دی، که همانند دفعات قبل با فراخوان "شورای هم‌آهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران" برگزار شد، قبل از هر چیز یک موفقیت بزرگ برای شورای هم‌آهنگی و عموم معلمان زحمتکش به حساب می آید. شورایی که از دل توده های معلم برخاسته و لاجرم از حمایت و

در صفحه ۲

بازنشسته‌ایم اما از پا نیفتاده‌ایم

ادامه تجمعات اعتراضی و مکرر بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی در شهرها و استان‌های مختلف کشور، حاکی از عدم تحقق خواست‌های جمعیتی است که بالغ بر ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر را تشکیل می‌دهند. روز یکشنبه ۵ دی ۱۴۰۰ صداهاتن از بازنشستگان فولاد اصفهان و اهواز، بازنشستگان معدن البرز شرقی در دامغان، بازنشستگان تأمین اجتماعی در کرمانشاه و بازنشستگان مخابرات تجمعات اعتراضی برپا کردند. در اهواز نیز بازنشستگان و



در صفحه ۳

نگاهی به مهم‌ترین تغییرات برنامه سازمان در کنفرانس هیجدهم

در صفحه ۵

انتخابات شیلی و نتایجی که انتظار نمی‌رود



در ۲۱ دسامبر ۲۰۲۱، انتخابات ریاست جمهوری شیلی برگزار شد. بوریك، کاندیدای کارزار "به کرامت انسانی رأی می‌دهم"، در دور اول ۲۵ / ۸ درصد آرا را به دست آورده بود، اما با بسج ۲۵ / ۱ میلیون نفر دیگر از رأی‌دهندگان مناطق کارگری و فقیرنشین، توانست میزان آرای خود را در دور دوم به ۵۶ درصد رسانده و بر کاندیدای محافظه‌کار راست‌گرا، خوان آنتونیو کاست، (با ۴۴ درصد

در صفحه ۸

چرایی و چشم‌انداز

تشدید تضادها

در درون هیات حاکمه

یکی از نتایج و در عین حال نشانه‌های تشدید بحران سیاسی اقتصادی و ورشکستگی مالی دولت، تصمیمات خلق‌الساعه، درهم‌ریختگی، تشننت و افزایش تضاد در درون هیات حاکمه است که در ماه‌های اخیر به وضوح افزایش یافته است.

یکی از آخرین نمونه‌ها گفت‌وگوی محسن رضایی معاون اقتصادی ابراهیم رئیسی با سیمای جمهوری اسلامی در روز دوشنبه ۲۹ آذرماه بود که گفت: "طبق لایحه بودجه قرار بود بارانه‌ها

در صفحه ۱۴

۹ **مطلب رسیده از داخل کشور: کرونا و دوز سوم واکسن در ایران**

۱۰ **۱۲ کارگر نفت در پی تصادف مرگبار جان باختند**

۴ **برای لغو حکم استرداد آسانژ، مبارزه کنیم!**

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
سرکوب و "طناب‌های بر گردن"

۱۱ **رژیم جنایت و کشتار را نجات نمی‌دهد!**

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

از اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان پیگیرانه حمایت کنیم! ۱۲

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

معلم بپاخیز برای رفع تبعیض مبارزات پر شکوه معلمان تا پیروزی ادامه خواهد داشت

پشتیبانی عموم معلمان و فرهنگیان کشور برخوردار است. برگزاری پر شکوه اعتراضات دوم دی، از آن رو حائز اهمیت است که اینبار دادستانی، نیروهای امنیتی و روزنامه‌هایی از قبیل کیهان و جوان، و سایت مشرق، از چند روز قبل، با تخریب شورای هماهنگی و تهدید و احضار بسیاری از فعالان صنفی معلمان، خواهان لغو تجمعات این روز شده بودند. اما "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" با عزمی راسخ و در پرتو حمایت بی دریغ معلمان و فرهنگیان کشور، نه تنها مرعوب تهدیدات امنیتی رژیم نشدند، نه تنها تزلزلی در اراده آنان ایجاد نشد، بلکه با صدور قطعنامه پایانی تجمعات دوم دی و انتشار زود هنگام آن در روزهای قبل از برگزاری اعتراضات، نشان دادند که اعتراضات و مطالبه گری معلمان تا تحقق پیروزی ادامه خواهد داشت.

برگزاری تجمعات سراسری دوم دی به نسبتی که برای معلمان و فرهنگیان کشور حائز اهمیت بود، برای رژیم نیز ممانعت از برپایی این تجمع سراسری به امری الزامی تبدیل شده بود، تا جاییکه نیروهای امنیتی با توسل به تهدید و ارباب و احضار ده‌ها معلم خواهان لغو تجمعات این روز شده بودند. محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان، یک روز قبل از برگزاری اعتراضات سراسری در توئیتر خود خبر داد که بیش از ۱۰۰ نفر از فعالان صنفی معلمان در روزهای گذشته به نهادهای امنیتی احضار و تهدید شده‌اند تا تجمع روز پنجشنبه را لغو کنند. نظر به گستردگی اعتراضات معلمان در برخی از شهرها از جمله شیراز، دادستانی این شهر با ارسال پیامکی به معلمان، آن‌ها را تهدید کرده بود، که "صدور و انتشار فراخوان و شرکت در هرگونه تجمع فاقد مجوز که موجب سوءاستفاده عناصر معاند شود"، ممنوع است. روزنامه‌های حکومتی نیز در ابعادی گسترده به تخریب کانون‌های صنفی معلمان پرداختند و با جعل و نشر اخبار کذب و پرونده سازی علیه شورای هماهنگی، حکومت و نیروهای امنیتی رژیم را برای سرکوب معلمان ترغیب کردند. با این همه و به رغم تمام احضارها، تهدیدها و ممانعت‌هایی که از طرف نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی صورت گرفت، اعتراضات سراسری معلمان با شکوه تمام در روز پنجشنبه دوم دی در ۱۰۰ شهر برگزار شد.

شیراز، به یمن همبستگی معلمان و دانش‌آموزان و اولیای آنان، همانند هفته قبل‌تر بار دیگر میدان دار اعتراضات سراسری معلمان بود. تجمعات معلمان در تهران نیز جلوه‌ای از عزم و اراده و همبستگی معلمان را به نمایش گذاشت. در تهران نیروهای امنیتی با هدف ممانعت از تجمع اعتراضی معلمان، از صبح روز پنجشنبه تمام ورودی‌های منتهی به میدان بهارستان را قرق کردند. به رغم جو شدید امنیتی در اطراف سازمان برنامه و بودجه، معلمان اما با حضور گسترده و پر تعداد خود، جو امنیتی را شکستند و بالاتر از سازمان برنامه و بودجه دست به تجمع

بزرگی زدند. در حالی که نیروهای پلیس، معلمان مرد را با ضربات باتوم و مشت و لگد متفرق می‌کردند، معلمان زن با شجاعت و شهامت قابل تقدیری در وسط میدان بهارستان اجتماع نشسته برگزار کردند و به رغم حمله ماموران امنیتی، تحصن و اجتماع نشسته خود را تا یک ساعت ادامه دادند.

در اعتراضات روز پنجشنبه، حضور دانش‌آموزان نسبت به تجمعات قبلی چشمگیرتر بود. در برخی از شهرها از جمله مریوان، دانش‌آموزان در کنار معلمان حضور یافته و اعلام کردند: ما دانش‌آموزان در کنار معلمان هستیم نه در مقابل آنان. مطالبه مشترک ما و معلمان، آموزش رایگان است و عدم کالایی سازی آموزش. تجمعات روز پنجشنبه در اغلب شهرها با سخنرانی معلمان، دانش‌آموزان و در مواردی هم با شعرخوانی و سرودخوانی همراه بود. وضعیتی که شور و حال و هوای امید بخشی را به تجمعات سراسری معلمان داد. حضور پر رنگ معلمان زن، سخنرانی‌های آتشین و شعار دادن‌های آنان جلوه دیگری از تجمعات سراسری دوم دی بود. "معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض" و "معلم زندانی آزاد باید گردد"، از جمله شعارهای مشترک تمامی اجتماعات معلمان در این روز بود. "آموزش رایگان، حق فرزندان ما"، "اسماعیل عبیدی آزاد باید گردد"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم" و "وزیر بی کفایت، استعفا استعفا"، از جمله دیگر شعارهایی بودند که در تجمعات دوم دی طنین انداز شد.

برگزاری تجمعات غرور آفرین معلمان، آنهم در فضای سنگین امنیتی بار دیگر جلوه‌ای از رزمندگی، مقاومت، ایستادگی و همبستگی مبارزاتی معلمان را به نمایش گذاشت. به رغم تمام تهدیدات امنیتی که نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای ممانعت از برگزاری آن در پیش گرفتند، تجمعات اعتراضی معلمان با شکوه هرچه بیشتر در اغلب شهرهای ایران برگزار شد. شهرهای نیشابور، فیروزآباد، سنندج، مریوان، کرج، همدان، سبزوار، ایذه، بوشهر، بوکان، کرمانشاه، قزوین، رشت، تهران، مشهد، شیراز، بابل، ملایر، شاهرود، ارومیه، گلپایگان، اصفهان، نورآباد مومن، داراب، اهواز، ماهشهر، برازجان، آباد، شهرضا، اندیمشک، سردشت، شیروان، رامهرمز، ساری، شوش، بندر خمینی، سقز، سریندر، امل، لردگان، خرم‌آباد، بهبهان، فیروزآباد، تبریز، بجنورد، شهرکرد، اراک، گرگان، جهرم، پلدختر، کرمان، لاهیجان، گناوه، دهگلان، ایلام، گچساران، گلستان، دشتستان، اشکنان، اقلید، نی‌ریز، بیجار، زنجان، بافق، اردبیل، سمنان، قروه، نلفان، تربت جام، فردوس، لامرد، خمینی شهر، گنوند، سمیرم، اسلام‌آباد، ازنا، تربت حیدریه، بندرعباس و ... از جمله شهرهایی بودند که تجمعات سراسری معلمان در آن برگزار شد.

اعتراضات معلمان که از مهرماه امسال با خواست محوری اجرای طرح رتبه بندی شاعلان به صورت کامل (هشتاد درصد حقوق هیئت

علمی) و همسان سازی بر پایه حداقل ۱۳ میلیون تومان برای بازنشستگان در مقیاس سراسری سرعت و شتاب بیشتری گرفته است، اینبار پس از تصویب سرهم بندی شده طرح رتبه بندی شاعلان در مجلس ارتجاع اسلامی با شرایط نسبتاً سخت‌تری مواجه شد. عبور از این شرایط دشوار که جمهوری اسلامی برای معلمان ایجاد کرد، وحدت، همبستگی و اراده مبارزاتی بیشتری را از شورای هماهنگی و کانون‌های تشکل‌های صنفی معلمان طلب می‌کرد. مجلس اسلامی با تصویب "سرهم بندی" شده طرح رتبه بندی شاعلان، دست کم بر این تصور بود که بذر تردید را در میان معلمان بیاشاند، شکاف و دو دستیگی را در آنان ایجاد کند تا بدینوسیله معلمان را از ادامه حضور گسترده در اعتراضات سراسری باز دارد. این حيله گری مجلس ارتجاع اسلامی، اگرچه با هوشیاری و موضع‌گیری سریع کانون صنفی معلمان در نطفه خفه شد، اما همچنان زنگ خطری بود که برپایی اعتراضات سراسری معلمان در روز پنجشنبه را تهدید می‌کرد.

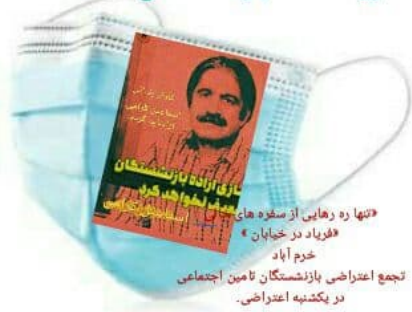
اقدام سریع و به موقع "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" در رد مصوبه "سرهم بندی شده" طرح رتبه بندی مجلس ارتجاع اسلامی در روز ۲۸ آذر و پس از آن انتشار علنی قطعنامه پایانی تجمع سراسری دوم دی ماه که در روزهای پیش از برگزاری اعتراضات با امضا شورای هماهنگی صورت گرفت، نه تنها حيله گری و تئانی میان دولت و مجلس را خنثی کرد، بلکه تکیه گاهی مستحکم و پیام امید بخشی برای همه معلمان و دانش‌آموزان و والدین آنان شد که خود را برای حضور گسترده در اعتراضات سراسری روز پنجشنبه آماده کنند.

عزم و اراده مستحکم "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" در برگزاری اعتراضات سراسری روز پنجشنبه و حضور پر رنگ معلمان و دانش‌آموزان و والدین آنان در این اعتراضات، نشان داد که چه پیوند عمیقی میان شورای هماهنگی و توده معلمان کشور ایجاد شده است. شکل‌گیری چنین پیوندی، بدان معناست که شورای هماهنگی از دل معلمان برآمده و لاجرم در دل آنان جای دارد. این یگانگی، همدلی و همبستگی مبارزاتی شورای هماهنگی با فرهنگیان و دانش‌آموزان و اولیای آنان را به عینه می‌توان در بند بند قطعنامه پایانی تجمع سراسری دوم دی دید. قطعنامه‌ای که علاوه بر دفاع از منافع عموم معلمان و بازنشستگان، از افزایش حقوق کارگران و زحمتکشان به بالای خط فقر حمایت کرده است. قطعنامه‌ای که بر عهد و پیمان خود با فرهنگیان شاعل و بازنشسته تأکید دارد و متعهد شده است تا تحقق کامل مطالبات با حمایت فرهنگیان دست از مبارزه بر نخواهد داشت و روند اعتراضات را با شدت هرچه بیشتر ادامه خواهد داد.



بازنشسته‌ایم اما از پا نیفتاده‌ایم

گروه اتحاد بازنشستگان



ادامه دهند، خواهان افزایش فوری مستمری‌ها و اجرای کامل و صحیح همسان‌سازی و امکانات دارویی و درمانی مناسب و رایگان هستند و چنین است که وارد خیابان می‌شوند و فریاد می‌زنند: "شعار ما این زمان، معیشت است و درمان!"

پوشیده نیست که علی‌رغم تلاش و مبارزات پیگیر و تحسین‌برانگیز بازنشستگان طی سال‌های گذشته، ارتجاع حاکم از همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و افزایش مستمری‌ها لاقفل در حدود خط فقر، امتناع ورزیده است. بعد از تجمعات و اعتراضات خیابانی بازنشستگان در سال ۹۹ به‌ویژه گسترش آن در پائیز و زمستان همین سال، دولت ارتجاعي حاکم به وعده‌های پوچ و توخالی توأم با سرکوب شدید بازنشستگان ادامه داد. به تجمعات مسالمت‌آمیز بازنشستگان و حشیانه یورش برد و آنان را مورد ضرب و شتم قرارداد. چندین نفر از فعالان و سازمان دهندگان تجمعات اعتراضی را بازداشت و زندانی کرد. اسماعیل گرامی از فعالان کارگری و بازنشسته در ۱۴ فروردین ۱۴۰۰ بازداشت و روانه زندان شد. این بازنشسته معترض با ۶۶ سال سن به اتهام واهی و نخ نمای "تجمع و تباہی علیه امنیت ملی" به ۴ سال زندان محکوم شده است. تمامی شواهد موجود از گرانی و تورم افسارگسیخته تا بی‌توجهی و بی‌اعتنائی آشکار کابینه رئیسی به زندگی و معیشت میلیون‌ها بازنشسته و مستمری‌بگیر تأمین اجتماعی، به‌روشنی گویای این واقعیت است که دولت حاکم در فکر انبوه کارگران و زحمتکشانی که بعد از ۳۰ سال کار، بازنشسته شده‌اند و از هرگونه رفاه و آسایش بی‌بهره‌اند نبوده و نیست. دولت ارتجاعي و سازمان تأمین اجتماعی نه‌فقط در فکر بهبود وضعیت معیشتی بازنشستگان تأمین اجتماعی نبوده و نیستند، بلکه هرآینه فرصت یافته‌اند به جیب آن‌ها دستبرد نیز زده‌اند. یک نمونه آن بیمه به‌اصطلاح تکمیلی است که همراهه مقادیری بابت آن از حقوق بازنشستگان کسر می‌شود، اما هیچ تأثیری در بهبود وضعیت بیمه و خدمات آن به وجود نیامده است. سازمان تأمین اجتماعی مدت‌هاست از انجام تعهدات خویش که در ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی (۱) آمده، شانه خالی کرده و درپوشش ارائه خدمات، بیمه تکمیلی را ابداع نموده که هیچ ثمری برای بازنشستگان تأمین اجتماعی نداشته است. وضعیت بیمه‌ها به حدی اقتضاح شده که درحال حاضر بازنشسته تأمین اجتماعی به‌رغم آنکه بیمه تکمیلی هم دارد و ۲ درصد از حقوق وی نیز به‌عنوان "ترمیم درمان" کسر می‌شود اما بایستی تا ۳۰ درصد هزینه و در اغلب موارد بخش زیادی از هزینه دارو، ویزیت، عینک، دندان، و سمعک را که از نیازهای اصلی بازنشستگان است، از جیب خود بپردازد. اما این هنوز تمام ماجرا نیست. در اثبات اینکه "دولت عدالت‌خواه" ابراهیم رئیسی جلا، کمترین اقدامی در راستای بهبود نسبی وضعیت معیشتی و با همسان‌سازی حقوق بازنشستگان انجام نداده که برعکس گام‌هایی در راستای تشدید

مستمری بگیران تأمین اجتماعی دست به راه پیمایی زدند. یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰ نیز هزاران بازنشسته تأمین اجتماعی در چندین شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی در اراک، رشت، تبریز، بجنورد، خراسان شمالی، کرمانشاه، تهران، خرم‌آباد و برخی شهرهای دیگر و نیز تجمع اعتراضی بازنشستگان فولاد اهواز و اصفهان در همین روز، تنها نمونه‌هایی از اجتماعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی است. ۲۳ آذر نیز ۱۵۰۰ تن از کارگران بازنشسته مخابرات راه دور شیراز، مقابل استانداری فارس تجمع اعتراضی برپا کردند. در روزها و هفته‌های قبل‌تر نیز بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر عمدتاً در روزهای یکشنبه تجمعات اعتراضی برگزار کرده بودند. بازنشستگان تأمین اجتماعی دست‌کم طی ۵ سال اخیر هرساله چندین بار دست به تجمعات و اعتراضات بزرگ خیابانی زده و در مقیاس سراسری به خیابان آمده‌اند. کم و کیف اعتراضات خیابانی بازنشستگان چنان فزونی گرفت که حضور هفتگی بازنشستگان در کف خیابان و تحت عنوان "یکشنبه‌های اعتراضی" به نام بازنشستگان تأمین اجتماعی تثبیت شد. در اثر تداوم و گسترش اجتماعات اعتراضی و تظاهرات خیابانی باشکوه و چند هزارنفره بازنشستگان تأمین اجتماعی در دوره حسن روحانی، مجلس و کابینه وعده‌هایی در مورد همسان‌سازی حقوق‌ها به بازنشستگان دادند. اما این وعده‌ها جملگی دروغ و پوشالی و صرفاً برای خواباندن تجمعات و اعتراضات خیابانی بازنشستگان بود، چراکه در بهترین حالت رقم و درصد ناچیزی به حقوق بازنشستگان اضافه شد اما همسان‌سازی حقوق‌ها که خواست اصلی و مهم بازنشستگان است اجرا نشد. میزان افزایش مستمری‌ها در طول این سال‌ها چنان اندک و ناچیز بوده که در مقابل تورم فزاینده و گرانی‌ها، چون دانه‌ای برف در برابر آفتاب داغ تابستان ناپدید شده است.

بازنشستگان خواهان همسان‌سازی حقوق‌ها هستند که لایحه آن در دوره روحانی به مجلس ارائه شده است. بر اساس این لایحه مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی باید به ۸۰ درصد حقوق شاغلان هم‌تراز افزایش یابد. این لایحه در دوره حسن روحانی در مجلس بلا تکلیف ماند و در دوره رئیسی به بهانه کمبود منابع مالی از دستور کار مجلس حذف شده و در بودجه سال ۱۴۰۱ نیز اثری از اجرای آن با گشایش و بهبودی در زمینه مستمری‌ها دیده نمی‌شود. وضعیت معیشتی میلیون‌ها بازنشسته و مستمری‌بگیر و بازنشستگان تأمین اجتماعی اما با مستمری‌های ناچیز ۳ میلیون تومان یا کمتر، مدام وخیم‌تر شده است. گرانی‌های سرسام‌آور و تورم فزاینده بی‌مهاری، آنان را از پا درآورده است. چرخ زندگی در همه‌ی بخش‌های آن از خوراک و پوشاک و مسکن گرفته تا دارو و درمان لنگ می‌زند. بازنشستگان تأمین اجتماعی از آنجاکه دیگر نمی‌توانند با این شرایط به زندگی

فشار بر بازنشستگان نیز برداشته است، همین بس که گفته شود در لایحه بودجه ۱۴۰۱ تنها مبلغ ۱۲۰ هزار میلیارد تومان برای صندوق بازنشستگی کشوری و ۷۵ هزار میلیارد تومان برای صندوق تأمین اجتماعی نیروهای مسلح در نظر گرفته شده اما هیچ مبلغی برای سازمان تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده است. بنا به گزارش اینلنا مورخ ۳۰ آذر ۱۴۰۰، در لایحه بودجه ۹۹، سهم تأمین اجتماعی ۵۰ هزار میلیارد تومان بود که البته فقط ۳۲ هزار میلیارد تومان آن، در مردادماه همان سال، نصیب سازمان شد؛ در لایحه بودجه ۱۴۰۰، سهم سازمان به‌طور مشخص، ۸۹ هزار میلیارد تومان بود که البته باز هم علیرغم گذشت ۳ ماه از سال، این اعتبار به‌حساب تأمین اجتماعی واریز نشده است؛ اما برخلاف رویه‌ی سال‌های گذشته، امسال در بند (و) تبصره ۲ لایحه بودجه، سهم سازمان تأمین اجتماعی صفر مطلق است آن‌هم درحالی‌که بدهی انباشته‌ی دولت به سازمان تأمین اجتماعی به مرز ۴۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و دولت همراه بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بدهی جدید ایجاد می‌کند.

در اقدام جدید دولت بجای اینکه نخست در لایحه بودجه مبلغی به سازمان تأمین اجتماعی اختصاص داده شود و بعد در عمل این بودجه، گم‌گور و ناپدید شود، این بار چنین بودجه‌ای از همان آغاز ناپدید و تکلیف آن یکسره شده و دولت خیال خود را راحت ساخته است. بدیهی است که این موضوع بهانه خوبی است در دست سازمان تأمین اجتماعی برای عدم ارائه خدمات و انجام تعهدات خویش در قبال مستمری‌بگیران و بازنشستگان تأمین اجتماعی.

از شاهکارهای دیگر "دولت عدالت‌خواه" و کابینه رئیسی این است که در همین لایحه بودجه، سن بازنشستگی با یک چرخش قلم دو سال اضافه شده و در همان حال از میزان حقوق و مستمری بازنشستگان نیز کاسته شده است. در بند (د) تبصره ۲۰ مادمواده لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ تحت عنوان "منابع انسانی دولت" در مورد سنوات خدمت چنین آمده است: "سنوات خدمت موردقبول برای بازنشستگی تمامی مستخدمین مرد و زن دارای حداقل مدرک کارشناسی معتبر در تمامی صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، سازمان تأمین اجتماعی، دو سال افزایش می‌یابد. در ادامه گفته شده: "محاسبه‌ی حقوق بازنشستگی در



برای لغو حکم استرداد آسانز، مبارزه کنیم!

در روز جمعه ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر، دادگاه عالی لندن، درخواست لغو حکم استرداد جولیان آسانز به ایالات متحده را رد کرد. به این ترتیب آسانز در معرض خطر جدی تحویل به ایالات متحده قرار گرفته است.

آسانز بنیانگذار ویکی لیکس، به اتهام بر ملا ساختن "اسرار محرمانه" و در واقع افشای جنایات جنگی و فساد مالی و سیاسی دستگاه‌های نظامی و اداری، به طور رسمی از سال ۲۰۱۰ از سوی مراجع آمریکا مورد تعقیب قانونی گرفته است. او در پی فشارهای وارده در سال ۲۰۱۲ به سفارت اکوادور پناهنده شد. در سال ۲۰۱۹ و با قدرت گیری جناح طرفدار ترامپ در اکوادور، فشار و اتهامات علیه او شدت یافت و همچنین به تنش‌هایی بین او و مقامات اکوادور انجامید، تقاضای پناهندگی و مصونیت وی لغو شد و مقامات سفارت اکوادور، پلیس را برای دستگیری آسانز به سفارت دعوت کرد. لغو مصونیت آسانز به دستگیری و زندان وی انجامید و ایالات متحده نیز خواهان استرداد وی شد.

با لغو حکم استرداد آسانز، وی در آستانه تحویل به ایالات متحده و ۱۷۵ سال حبس قرار دارد. جولیان آسانز اکنون به سمبلی از مبارزه برای آزادی بیان، قلم و مطبوعات تبدیل شده است. هزاران نفر در کشورهای مختلف تاکنون با برگزاری تظاهرات گوناگون خواستار آزادی وی شده‌اند. برای بسیاری از مبارزان این عرصه، تهاجم به حقوق انسانی آسانز و سرنوشته او تنها تهاجم به یک فرد و موردی استثنایی نیست، بلکه این تهاجم اصولاً علیه آزادی بیان، قلم و مطبوعات و رسانه‌ها صورت گرفته است. از همین روی، مبارزه علیه این هجوم و همدستی شوم دولت‌های مختلف سرمایه‌داری جهانی، بخشی از مبارزه‌های جهانی برای برقراری آزادی‌های اجتماعی و علیه دیکتاتوری که در شکل عریان آن و چه پیچیده در زورق‌های پوسیده دموکراسی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری می‌باشد.

کمیته خارج سازمان فدائیان (اقلیت) حکم دادگاه عالی لندن و سیاست‌های ارباب و سرکوب از سوی دولت آمریکا و همدستانش در رابطه با جولیان آسانز را به شدت محکوم و از مبارزات جهانی برای آزادی وی حمایت می‌کند.

نابود باد سرمایه‌داری جهانی! زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۲ دسامبر ۲۰۲۱ (۱ دی ۱۴۰۰)



تمامی صندوق‌های بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، سازمان تأمین اجتماعی، بر اساس متوسط حقوق سه سال آخر زمان اشتغال خواهد بود"

بدین ترتیب مطابق لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نه فقط سن بازنشستگی کارگران دو سال افزایش می‌یابد بلکه مبنای تعیین میزان حقوق بازنشستگی، متوسط حقوق سه سال آخر زمان اشتغال تعیین شده که تا قبل از این، مینا میانگین دو سال آخر زمان اشتغال بوده است.

صرف نظر از اینکه معلوم نیست رئیسی بر طبق کدام ضابطه و قانون و بر اساس چه مآدات و اختیاراتی فراتر از قانونی که سال‌هاست اجرا می‌شود، بر فراز قوانین و ضوابط رسمی ظاهر شده و سن بازنشستگی و مبنای تعیین حقوق بازنشستگی را عوض می‌کند، در حال اما در همین تبصره بی‌مقدار، با یک تیر دو نشان زده، هم سن بازنشستگی را دو سال افزایش داده و هم از حقوق بازنشستگی کاسته است. این لایحه و اهداف و اقدامات رئیسی و مجلس ارتجاع البته مورد اعتراض شدید کارگران و معلمان و بازنشستگان و عموم تشکل‌های آنان قرار گرفته است.

ده تشکل از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه کارگران و معلمان ۱۹ اسفند و ۵ تشکل دیگر بازنشستگان در بیانیه مشترکی مورخ ۲۶ آذر ۴۰۰، دستکاری قوانین بازنشستگی اعم از سن بازنشستگی یا محاسبات حقوق و مستمری بازنشستگان تحت لولی لایحه بودجه را عملی گستاخانه علیه کارگران و زحمتکشان و اقدامی "مبتنی بر سیاست‌های لیبرالیستی در ارزان‌سازی بیشتر نیروی کار" به سود صاحبان سرمایه خوانده‌اند. در این بیانیه گفته شده: "هرگونه افزایش سن بازنشستگی و به‌ویژه محاسبه میانگین سه سال آخر اشتغال در تعیین مستمری، تعرضی آشکار و عقب‌گردی تاریخی در بازپس‌گیری دستاوردهای مبارزاتی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش است."

کارگران و بازنشستگان نسبت به این تعرضات آشکار طبقه حاکم به حقوق خویش به شدت معترض هستند. دولت ارتجاعی حاکم باید منتظر دور جدید اعتراضات خیابانی بازنشستگان، آنان که مبتکر شعار "تنها کف خیابون به دست میاد

آنکه باهم متحد شویم، ارتجاع حاکم را به زیرکشم و حکومت شورایی خود را مستقر سازیم. در برنامه سازمان ما، شرایط بازنشستگی مردان حداکثر ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار، برای زنان ۵۰ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار و در رشته‌هایی که با شرایط دشوار و مخاطره‌آمیز و زیان‌آور روبرو هستند حداکثر ۴۵ سال سن و یا ۲۰ سال سابقه در نظر گرفته شده است. سازمان ما بر این اعتقاد است که کارگران، بازنشستگان، معلمان و تمام آحاد جامعه از گهواره ناگور بایستی از بیمه کامل اجتماعی (بیمه بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهنوت، فرسودگی، ازکارافتادگی و امراض ناشی از حرفه) برخوردار باشند.

زیرنویس

۱ - در ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی، درمان کامل بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران و ازکارافتادگان، از جمله تعهدات سازمان تأمین اجتماعی شناخته شده است.

حق مون" بوده‌اند، آنان که مکرر از ظلم و ستم حاکمان و سفره‌های خالی سخن گفته‌اند، آنان که مکرر اعلام کرده‌اند "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم" دوباره در ابعاد گسترده و سراسری وارد خیابان خواهند شد. بازنشستگان تأمین اجتماعی و سایر بازنشستگان و همچنین عموم کارگران و معلمان و سایر زحمتکشان شاغل به تجربه آموخته‌اند که هرچقدر بر عمر نکبت‌بار جمهوری اسلامی افزوده شده، وضعیت حقوقی و معیشتی آنان نیز بدتر و وخیم‌تر شده است. برای تغییر و بهبود اساسی شرایط حقوقی و معیشتی و برای تأمین یک زندگی بهتر، راه دیگری جز اتحاد کارگران و زحمتکشان و تشدید مبارزه علیه ارتجاع حاکم باقی نمانده است. مادام که تکلیف طبقه ارتجاعی حاکم و رژیم سیاسی این طبقه را یکسره نکنیم و آن را از اریکه قدرت به زیر نکشیم، مرتجعین حاکم به ظلم و ستم و تعرضات خویش علیه حقوق و معیشت ما ادامه خواهند داد. راه دیگری در برابر ما کارگران و زحمتکشان باقی نمانده است جز

نگاهی به مهم‌ترین تغییرات برنامه سازمان در کنفرانس هیجدهم

با گذشت نزدیک به چهار دهه از تصویب برنامه سازمان ما در کنفرانس اول، این برنامه نیاز به یک ویرایش کامل و فرمول‌بندی‌های دقیق‌تر داشت. حذف برخی واژه‌ها و جایگزین کردن آن‌ها با واژه‌های جدید، حذف فرمول‌بندی‌هایی که برداشت‌های متفاوت از آن‌ها می‌توانست صورت بگیرد، حذف بندهایی که کهنه‌شده بود و با مواضع کنونی سازمان همخوانی نداشتند، وارد کردن مواضع جدیدی که سازمان در طول این سال‌ها به آن دست‌یافته بود در برنامه و نیز افزودن برخی مصوبات کنفرانس‌های پیشین سازمان، نیاز مبرم برنامه بود. بنابراین، کمیته اجرایی منتخب کنفرانس هفدهم پیشنهاد یک‌رشته تغییرات در برنامه سازمان را به کنفرانس هیجدهم که در آبان ماه سال جاری برگزار شد، ارائه داد. این تغییرات مطابق ضوابط اساسنامه، سه ماه قبل از تشکیل کنفرانس هیجدهم در درون تشکیلات به بحث گذاشته شدند و سرانجام به تصویب کنفرانس هیجدهم رسیدند. در این نوشته به برخی از مهم‌ترین این تغییرات اشاره خواهد شد.

برنامه سازمان ما از سه بخش تشکیل می‌شود. بخش تئوریک، بخش وظیفه سیاسی فوری طبقه کارگر و بخش مطالبات مشخص و فوری.

در بخش تئوریک برنامه مهم‌ترین بندی که در آن تغییراتی صورت گرفت، بند ۸ بود. در این بند آمده بود:

" ۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریایی با جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به‌جای مالکیت خصوصی برو سائل تولید و مبادله و نیز تولید اجتماعی سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده، به نابرابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات پایان خواهد بخشید و بدین ترتیب تمام بشریت ستمدیده را آزاد خواهد کرد."

با توجه به تجربه شکست انقلاب‌های کارگری قرن بیستم به‌ویژه در شوروی و بحث‌های نظری سازمان، ضروری بود که با افزودن واژه‌های جدید در این بند، درک روشنی از لغو مالکیت خصوصی و جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به‌جای مالکیت خصوصی که در این بند آمده بود، ارائه شود. دو واژه‌ای که به این بند افزوده شد، مدیریت کارگری و لغو کار مزدی بود که پیش‌از این در نشریه کار و دیگر آثار سازمان مفصل مورد بحث قرار گرفته بودند. سازمان ما بر این عقیده است که نخستین شرط استقرار یک حکومت کارگری در ایران، استقرار یک دولت کارگری است که در آن قدرت مستقیماً در دست پرولتاریای متشکل شده در شوراها قرار گرفته باشد و نه حزبی که حتی نماینده واقعی کارگران باشد. چراکه یک حزب پرولتاریایی تنها پیشروترین کارگران را در برمی‌گیرد و نه عموم کارگران.

از همین رو استقرار سوسیالیسم نیز مشروط و منوط به این است که مدیریت جمعی و مشترک کارگری در معنای دقیق آن در اقتصاد حاکم شود و کارگران از طریق ارگان‌های شورایی خود از نقطه تولید، در سازمان‌دهی اقتصاد و برنامه‌ریزی آگاهانه، مداخله و مشارکت فعال داشته باشند و نه فرضاً مدیران دولتی یا حزب طبقاتی کارگران. این وظیفه‌ای است که در برابر کلیت طبقه کارگر قرار دارد.

از دیدگاه سازمان ما حتی چنانچه طبقه کارگر قدرت را به دست گرفته باشد و وسایل تولید را به تملک دولت درآورده باشد، اما سازمان‌دهی و مدیریت جمعی و متشکل کارگری در تولید جایگزین شیوه سازمان‌دهی و مدیریت بورژوازی نشده باشد و مناسبات کالایی - پولی برنیفتاده باشد، آنچه وجود خواهد داشت، همچنان مناسبات تولید بورژوازی است. بحث‌های سازمان ما بر سر این موضوعات سال‌ها پیش صورت گرفته بود و انتشار علنی یافت.

در نشریه کار شماره ۴۷۷، سال ۱۳۸۵ در پاسخ به سوالات در مورد درک سازمان از سوسیالیسم و نیز نوشته "انقلاب اجتماعی و حزب انقلاب اجتماعی" از انتشارات سازمان، این مسئله مورد بحث قرار گرفته است که لازم است در اینجا به بخشی از آن اشاره شود:

"ببینیم، این مالکیت خصوصی چگونه ملغاً می‌گردد؟ طبقه کارگری که

قدرت سیاسی را به دست گرفته است، وسایل تولید را به تملک دولتی که اکنون کارگری است درمی‌آورد. این نخستین گام ضروری برای خلع ید از سرمایه‌داران و مالکین است. اما این هنوز یک خلع ید حقوقی است و نه اقتصادی. اگر تمام وسایل تولید هم به این طریق به تملک دولت کارگران درآمده باشد و این دولت به کارگران مزد و حقوق بپردازد، هنوز هیچ رابطه اقتصادی تغییر نکرده و مناسبات تولید کما‌فی‌السابق بورژوازی است. این رابطه در تولید زمانی تغییر می‌کند که دیگر پدیده‌ای به نام دستمزد و حقوق وجود نداشته باشد و این، زمانی ممکن است که رابطه کالایی - پولی برافند، محصول دیگر به کالا تبدیل نشود. بنابراین، نیروی کار نیز دیگر نتواند به کالا تبدیل گردد و اصل محصول برابر در مقابل کار برابر حاکم گردد. لازمه این امر سازمان‌دهی و مدیریت کارگری اقتصاد به‌جای سازمان‌دهی کار اجتماعی و مدیریت بورژوازی اقتصاد، از طریق یک نقشه و برنامه مشترک و سراسری ست. طبقه کارگر، مدیریت تولید را بر عهده می‌گیرد و تولید و توزیع را به شکلی آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده، سازمان می‌دهد. وقتی که تولید از طریق یک نقشه مشترک، انجام می‌گیرد، به این معناست که جامعه می‌داند، چه مقدار محصولات باید تولید شود و چه مقدار کار اجتماعی در محصولات نهفته است. بنابراین، دیگر کار تجسیمیافته در آن‌ها نمی‌تواند شکل ارزش به خود بگیرد، بلکه مستقیماً کاری اجتماعی می‌شود. از این رو دیگر نیازی به مداخله ارزش و بازار نیست، محصولات به کالا تبدیل نمی‌شوند و مناسبات کالایی - پولی از میان می‌رود. در اینجا دوران سلطه و فرمانروایی محصولات بر انسان پایان می‌یابد و آن‌ها تحت کنترل تولیدکنندگان درمی‌آیند."

در همین بند چند سطر نیز به ضرورت انقلاب اجتماعی برای پایان دادن به فجایع بزرگی که سرمایه‌داری جهانی در عرصه مسائل زیست‌محیطی به بار آورده و تضاد خصمانه میان انسان و طبیعت را به نهایت خود تشدید کرده است، افزوده شد. انقلاب اجتماعی و سازمان‌دهی و مدیریت سوسیالیستی اقتصاد از طریق نقشه مشترک و هدف آگاهانه تولیدکنندگان، نه فقط برای پایان بخشیدن به تضاد خصمانه میان انسان‌ها ضروری است، بلکه به تضاد خصمانه میان انسان و طبیعت نیز که جامعه سرمایه‌داری آن را به نهایت خود رسانده است، پایان خواهد داد.

در توضیح این مسئله نیز در ادامه نوشته بالا آمده است: "ویران‌سازی وحشیانه طبیعت خارج از انسان، استفاده بی‌حساب و کتاب از منابع طبیعت، نابودی جنگل‌ها، آلودگی محیط زیست، آلودگی منابع آبی و جوی، گرم شدن جو زمین و ده‌ها مسئله دیگر از این دست، واقعیت‌هایی هستند که اکنون به معضلات جدی بشریت تبدیل شده‌اند. یافتن پاسخی برای این معضلات، دیگر محدود به دانشمندان، متخصصان محیط زیست، گروه‌های دوستدار طبیعت نیست. کنفرانس‌های بین‌المللی برای مقابله با این معضلات تشکیل شده است، سازمان‌های بین‌المللی ضوابط و مقرراتی وضع کرده‌اند و دولت‌ها پای توافق‌نامه‌ها را امضا کرده‌اند. حتی برخی دولت‌های سرمایه‌داری قوانین و مقررات ویژه‌ای در این راستا به مرحله اجرا گذاشته‌اند. اما هیچ‌یک از این اقدامات نتوانسته و نمی‌تواند چارمساز مسئله باشد. چراکه آنچه بالاترین قانون حاکم بر نظام سرمایه‌داری است، سود است. در نظام سرمایه‌داری مطلقاً بی‌اهمیت است که مثلاً بهره‌برداری بی‌حساب و کتاب از منابع زمینی و آبی طبیعت چه نتایج دور رسی برای انسان به‌عنوان جزئی از طبیعت و خود طبیعت خارج از انسان در پی خواهد داشت. آنچه برای هر سرمایه‌دار، و هر کشور سرمایه‌داری حائز اهمیت است نه بهره‌برداری حساب‌شده از طبیعت، بلکه سودی است که از این بابت به دست می‌آید و هر چه این سود بیشتر باشد و سرعت انباشت آن، همراه با ویران‌سازی طبیعت، سریع‌تر، کمال مطلوب است. سرمایه همواره می‌کوشد، با کم‌ترین هزینه، بیش‌ترین سود را عاید خود سازد. وقتی که برای سرمایه‌دار مهم نیست که این کاهش هزینه‌ها حتی به امراض متعدد در میان کارگران و یا مرگ آن‌ها منجر گردد، روشن است که دیگر مطلقاً فاقد اهمیت است که فضولات و مواد مصرفی کارخانه، منابع آبی و جوی را آلوده بکند یا نکند. هیچ‌گاه در طول تمام تاریخ بشریت همانند نظام سرمایه‌داری، منافع آزمندانگان، به ویران‌سازی وحشیانه طبیعت نپرداخته است. هیچ راهی هم در چارچوب نظم موجود برای حل این تضاد خصمانه میان انسان و طبیعت وجود ندارد. فقط در جریان یک انقلاب

نگاهی به مهم‌ترین تغییرات برنامه سازمان در کنفرانس هیجدهم

نیاز سرمایه‌های امپریالیستی صورت گرفت، مناسبات تولید کالایی را تا اقصا نقاط کشور گسترش داد.

ایران که تا پیش از رفرم‌های اوایل دهه چهل، به مثابه تولیدکننده محصول واحد نفت در سیستم جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه‌جانبه‌تر در نظام جهانی اقتصادی امپریالیستی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

"این تحولات که در یک‌روند رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالایی، به شکلی بوروکراتیک و از بالا و نیز نیاز بازار جهانی سرمایه صورت گرفت، مناسبات تولید کالایی را تا اقصا نقاط کشور بسط داد.

ایران که تا پیش از رفرم‌های اوایل دهه چهل، به‌عنوان تولیدکننده محصول واحد نفت در تقسیم‌کار بازار جهانی سرمایه جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه‌جانبه‌تر در اقتصاد جهانی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

در بند ۱۳ نیز تغییراتی صورت گرفت. در این بند که به مرزبندی با رفرمیسم و ریویزیونیسم پرداخته شده است، "ریویزیونیست" افزوده شد. جمله "کلیه این جریان‌ها مرتد و خائن به طبقه کارگر محسوب می‌گردند" حذف شد و به‌جای آن این جمله قرار گرفت: "کلیه این جریان‌ها بورژوازی در صف ضدانقلاب جای دارند." حذف این دو واژه مرتد و خائن از برنامه به‌این‌علت بود که بیش از آن‌که موضع سیاسی مشخصی در قبال رفرمیست‌ها و ریویزیونیست‌ها اتخاذ شده باشد، شکل شعار به خود گرفته بود. البته می‌توان در مقالات تبلیغی و ترویجی این واژه‌ها را به کاربرد و در همان‌جا جایگاه طبقاتی این جریان‌ها و موضع‌گیری سیاسی در قبال آن‌ها را توضیح داد. اما برنامه باید صریح، قاطع و روشن باشد. آن‌ها سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را در پیش گرفته‌اند و در صف ضدانقلاب جای گرفته‌اند. این از یکسو خصلت طبقاتی و از دیگر سو جایگاه آن‌ها را در صف‌بندی‌های طبقاتی روشن می‌کند.

در این بند برنامه البته به هیچ حزب و گروه مشخصی اشاره نشده، بلکه صرفاً به یکی از موانع سد راه رشد مبارزه طبقاتی پرداخته شده است. اما تا جایی که در ایران به سازمان‌هایی از نمونه حزب توده و اکثریت در این رابطه اشاره می‌شود، باید گفت آن‌ها فراتر از خائن و مرتد هستند. کم نیست در سطح جهان سازمان‌هایی که زمانی احزاب مارکسیست بودند، اما بعداً مارکسیسم را کنار نهادند و به طبقه کارگر پشت کردند، اما در کشتار مردم کشور خود مشارکت نداشتند. می‌شود به آن‌ها مرتد و خائن اطلاق کرد. اما در مورد احزاب و سازمان‌هایی که فعالانه در اتحاد با طبقه حاکم بر ایران، در جنایت کشتار هزاران کمونیست و آزادی‌خواه شرکت داشتند، اطلاق خائن و مرتد، نوعی امتیاز دادن به آن‌ها و نادیده گرفتن مشارکت شان در جنایت کشتار هزاران کمونیست و آزادی‌خواه است.

متن اصلاح شده این بند به شرح زیر است:

"بارزترین نمونه تحریف بورژوازی سوسیالیسم، سوسیال - دموکراسی و دیگر جریان‌ها اپورتونیست - رفرمیست و ریویزیونیست‌اند که با نفی نظری با عملی دیکتاتوری پرولتاریا، لزوم الغاء مالکیت خصوصی و انکار عصر کنونی به‌عنوان عصر انقلابات پرولتاریایی، مارکسیسم - لنینیسم را نفی و تحریف نموده و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را در پیش گرفته‌اند. کلیه این جریان‌ها بورژوازی در صف ضدانقلاب جای دارند."

در بخش وظیفه سیاسی فوری طبقه کارگر برخی جملات که با مواضع کنونی سازمان انطباق نداشتند حذف شدند و فرمول‌بندی‌های جدیدی جایگزین آن‌ها شد. در این بند گفته شده بود:

"* کمونیست‌های کشورهای مختلف در راه رسیدن به هدف نهایی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در سراسر جهان معین شده است، ناگزیر از اتخاذ وظائف فوری غیر منسبانه‌اند. زیرا سرمایه‌داری در تمام کشورها به یک درجه توسعه نیافته و در کشورهای گوناگون، سرمایه‌داری در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می‌یابد.

اجتماعی است که می‌تواند خصلت خصمانه این تضاد برافند. در یک جامعه کمونیستی که دیگر حاکمیت سود و سرمایه برافتاده است و انسان‌ها تولید را به‌حساب یک نقشه و برنامه آگاهانه و جمعی سازمان می‌دهند، بر عواقب طبیعی اقدامات خود نیز تسلط پیدا می‌کنند.

آن‌ها دیگر با طبیعت خارج از خود خصمانه برخورد نمی‌کنند، به‌عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از طبیعت، رفتاری معقول و انسانی با طبیعت خارج از خود برقرار می‌کنند. بهره‌برداری‌شان از طبیعت در خدمت نیازهای تولیدی‌شان، با حساب‌وکتاب و طبق برنامه است و در نظر می‌گیرند که نتایج دور رس این اقدامات آن‌ها چیست. این انسان‌ها با شناخت دقیق قوانین طبیعت، از این توانایی نیز برخوردار می‌گردند که نیروهای کور و سرکش طبیعت را رام کنند و تحت کنترل خود درآورند. بنابراین یکی دیگر از نتایج انقلاب اقتصادی و تسلط و کنترل انسان‌ها بر تولید، پایان دادن به تضاد خصمانه میان انسان و طبیعت است."

منطبق با این مواضع، چند سطر به بند ۸ افزوده شد و این بند به شکل زیر در برنامه قرار گرفت.

"- انقلاب اجتماعی پرولتاریایی با لغو مالکیت خصوصی، جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به‌جای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، تولید اجتماعی سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده تحت مدیریت کارگری، لغو کار مزدی و دگرگونی تمام مناسبات اجتماعی موجود، به نابرابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات پایان خواهد بخشید و بدین ترتیب تمام بشریت ستمدیده را آزاد خواهد کرد.

- انقلاب اجتماعی نه‌فقط برای پایان بخشیدن به تضاد خصمانه میان انسان‌ها ضروری است، بلکه به تضاد خصمانه میان انسان و طبیعت، بحران زیست‌محیطی که جامعه سرمایه‌داری آن را به نهایت خود رسانده و اکنون به یکی از معضلات بزرگ بشریت تبدیل شده است، نیز، پایان خواهد داد."

در بند دوازدهم درجایی که گفته شده بود "تمام جهان از نظر ارضی - سیاسی میان کشورهای امپریالیست تقسیم گشته و تقسیم اقتصادی جهان میان انحصارات بین‌المللی آغاز شده است." واژه ارضی حذف شد و به‌جای آن "تمام جهان از نظر سیاسی - اقتصادی، میان کشورهای امپریالیست تقسیم شده است." قرار گرفت. این تغییر از آن‌رو صورت گرفت که اکنون مدت‌های مدیدی است که با ازهم‌پاشیدگی سیستم مستعمراتی، تقسیم جهان میان قدرت‌های امپریالیست و انحصارات بین‌المللی دیگر ارضی نیست، بلکه تمام جهان از نظر سیاسی - اقتصادی میان کشورهای امپریالیست تقسیم شده است. در همین بند در بحث مربوط به جنگ‌های امپریالیستی، جنگ‌های منطقه‌ای و نیابتی نیز افزوده شد، به‌این‌علت که قدرت‌های امپریالیست جهان اکنون با در اختیار داشتن سلاح‌های ویرانگر کشتار جمعی از جمله سلاح اتمی، دیگر به‌سادگی نمی‌توانند جنگ‌های جهانی برپا کنند. بنابراین، شکل جنگ میان قدرت‌های امپریالیست تغییر کرده و جنگ‌های منطقه‌ای و نیابتی نمونه‌های آن هستند.

در بندهای دیگری که تغییرات کمتری صورت گرفت از جمله بند سوم برنامه بود که به چگونگی تسلط شیوه تولید سرمایه‌داری اختصاص یافته است. واژه‌های بوروکراتیک و از بالا به این بند افزوده شد، تا بر این واقعیت تأکید شود که این سرمایه‌داری از طریق یک‌رشته رفرم‌ها از بالا توسط طبقه حاکم بر ایران صورت گرفت، تا نتیجه‌گیری بعدی آن در مورد برجای ماندن برخی بقایای نظام‌های ماقبل سرمایه‌داری به‌ویژه در رونمای سیاسی و علت عقب‌ماندگی سرمایه‌داری ایران توضیح داده شود. در همین بند و بندهای دیگر، انحصارات بین‌المللی، به‌جای سرمایه‌های امپریالیستی قرار گرفت که واژه دقیق‌تری است. درجایی که مسئله وابستگی اقتصادی نیز مطرح شده بود واژه دقیق‌تر وابستگی به بازار جهانی سرمایه یا ادغام در بازار جهانی قرار گرفت. بنابراین بند برنامه قبلی که در آن گفته شده بود:

"این تحولات که بر مبنای رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالایی و نیز

نگاهی به مهم‌ترین تغییرات برنامه سازمان در کنفرانس هیجدهم

– ایجاد تسهیلات و امکانات ویژه، برای معلولان. اختصاص داده شد.

در بخش لغو تبعیض بر پایه جنسیت یک بند به آنچه "کودک همسری" نامیده می‌شود اما در واقعیت یک تجاوز و کودک‌آزاری است، اضافه شد:

"ممنوعیت ازدواج کودکان تا ۱۸ سال، کودک‌آزاری و اعمال مجازات‌های شدید در مورد نقض آن‌ها."

در بخش مطالبات مشخص کارگری یک بند برنامه مربوط به زنان "ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که برای سلامتی آن‌ها زیان‌آور باشد." از آنجایی که می‌توانست این ابهام را ایجاد کند که زنان نمی‌توانند همچون مردان در تمام فعالیت‌های تولیدی مشارکت داشته باشند؛ در کنفرانس هیجدهم پیشنهاد حذف آن داده شد و از برنامه حذف شد.

همچنین ضروری بود که برخی از مصوبات کنفرانس‌های پیشین سازمان وارد برنامه سازمان شوند. از جمله در کنفرانس دهم سازمان ۱۳۸۴ قطعنامه‌ای در محکومیت سرکوب دگرباشان جنسیتی به شرح زیر تصویب شده بود:

"نظر به این‌که رژیم جمهوری اسلامی عموم توده‌های مردم را به اشکال مختلف در معرض ستم، سرکوب و تبعیض قرار داده و می‌دهد،

نظر به این‌که: در تمامی دوران حاکمیت این رژیم، افرادی بنا به گرایشات جنسی خود تحت سرکوب، ستم و اعدام قرار گرفته و می‌گیرند،

ما ضمن محکوم کردن سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت اسلامی در این زمینه خواهان، ممنوعیت هرگونه تبعیض و سرکوب بر پایه گرایشات جنسی و لغو هرگونه قوانین و مجازات علیه همجنس‌گرایان می‌باشیم."

بنابراین در بخش آزادی‌های سیاسی برنامه این بند به شکل زیر در برنامه سازمان قرار گرفت:

" به رسمیت شناختن حقوق انسانی و پایه‌ای اقلیت‌های جنسی (دگرباشان جنسی)، ممنوعیت هرگونه تبعیض و نقض امنیت آن‌ها از طریق نفرت پراکنی و اعمال خشونت."

همچنین در کنفرانس ۱۴ سازمان آبان ۹۲ یک قطعنامه در مورد لغو مجازات اعدام به تصویب رسیده بود. این قطعنامه می‌گفت:

"نظر به این‌که سازمان فدائیان (اقلیت) همانگونه که تاکنون مکرر اعلام کرده است، معضلات اجتماعی محصول جامعه طبقاتی است، نظر به این‌که اعدام هیچ تأثیری در برافزاندن مسائل و معضلات اجتماعی و سیاسی جامعه طبقاتی نداشته و نخواهد داشت. لذا سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار لغو مجازات اعدام و حذف آن از قوانین کشور می‌باشد."

بربنیای این قطعنامه، لغو مجازات اعدام نیز وارد برنامه شد.

در برخی دیگر از بندهای برنامه نیز تغییرات کوچکی داده شد و واژه‌های دقیق‌تری مورد استفاده قرار گرفت.

در ایران جایی که سرمایه‌داری هم اکنون به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است، به سبب وابستگی اقتصادی و بقایای متعدد نظامات ماقبل سرمایه‌داری که موانع عمده‌ای بر سر راه پیشرفت اقتصادی و بسط کامل و همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب می‌شوند، ستم سیاسی که بر میلیون‌ها تن از توده‌های مردم اعمال می‌شود و دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته‌ای که توده وسیع مردم را در ناآگاهی و اسارت نگاه داشته است، پرولتاریای ایران نمی‌تواند هدف فوری و بلاواسطه خود را انقلاب سوسیالیستی قرار دهد.

– بدین جهت سازمان فدائیان (اقلیت)، که برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار یک جامعه کمونیستی مبارزه می‌کند، وظیفه نخست و فوری سیاسی خود را بر سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی به منظور تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم قرار می‌دهد."

این بند به شکل زیر اصلاح شد: " * کمونیست‌های کشورهای مختلف در راه رسیدن به هدف نهائی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در سراسر جهان معین شده است، ناگزیر از اتخاذ وظائف فوری غیر متشابه‌اند، زیرا سرمایه‌داری در تمام کشورها به یک درجه توسعه‌یافته و در کشورهای مختلف، در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می‌یابد. در ایران، جایی که سرمایه‌داری از مدت‌ها پیش، به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است و برپایی انقلاب اجتماعی به نیاز مبرم جامعه تبدیل شده است، به علت عقب‌ماندگی اقتصادی، وابستگی اقتصادی به بازار جهانی سرمایه، بقایای متعدد نظام‌های ماقبل سرمایه‌داری در روبنای سیاسی که موانع عمده‌ای بر سر راه پیشرفت اقتصادی و بسط کامل و همه‌جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب می‌شوند، ستم اقتصادی و سیاسی که بر میلیون‌ها تن از توده‌های مردم اعمال می‌شود و دیکتاتوری عریان و عنان‌گسیخته‌ای که به‌مثابه جزء لاینفک روبنای سیاسی سرمایه‌داری ایران، توده وسیع مردم را در ناآگاهی و انقیاد نگاه داشته است، وظیفه سیاسی فوری پرولتاریا، استقرار و تحکیم قدرت شورایی، اجرای بی‌درنگ یک‌رشته وظایف عمومی و همگانی در سطوح سیاسی، اجتماعی و رفاهی و نیز انجام اقداماتی است که روند انتقال به سوسیالیسم را تسهیل و تسریع نماید.

– بدین‌جهت سازمان فدائیان (اقلیت) وظیفه فوری انقلاب اجتماعی ایران را که با سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان آغاز می‌گردد، اجرای بی‌درنگ موارد زیر می‌داند."

سرفصل بخش اقدامات فوری اقتصادی که در آن گفته شده بود " به‌منظور مبارزه عملی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم، قطع وابستگی، دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی کارگران و زحمتکشان، ما خواهان انجام اقدامات زیر هستیم" از آنجایی که منطبق با مواضع و نظرات کنونی سازمان نبود و ابهامات و سوالات متعددی را پیش می‌آورد حذف شد و به‌جای آن این فرمول‌بندی قرار گرفت:

"اقدامات عاجل برای دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور به نفع کارگران و زحمتکشان و تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم:"

مواردی هم به برنامه مطالبات فوری افزوده شد. از جمله در بخش اقدامات فوری اجتماعی و رفاهی عمومی یک بند به

**رژیم جمهوری اسلامی را باید
با یک اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

انتخابات شیلی و نتایج که انتظار نمی‌رود

آرا) پیشی گیرد و به مقام رئیس جمهوری انتخابی شیلی انتخاب شود.

"به کرامت انسانی رأی می‌دهم" در ژانویه ۲۰۲۱ از ائتلاف "حزب برابری"، "جبهه گسترده" و "دیگنو شیلی (شیلی شایسته)" و جهت شرکت در انتخابات "کنوانسیون قانون اساسی" برای نوشتن قانون اساسی جدید برای شیلی پدید آمد. کنوانسیونی که برای بازنویسی قانون اساسی بازمانده از دوران پینوشه از دل اعتراضات کارگری و اعتراضات توده‌ای گسترده در اکتبر ۲۰۱۹ پدید آمد.

با افزایش ۳۰ پزویی (معادل ۴ سنت) قیمت بلیط مترو در اکتبر ۲۰۱۹، دانش‌آموزان دوره متوسطه به اعتراض پرداختند. در ۱۸ اکتبر دانش‌آموزان به ایستگاه‌های مترو حمله کردند. در پاسخ، نیروی پلیس ملی به مقابله با معترضان پرداخت. سبائستیان پینیئرا، رئیس جمهوری شیلی، در همان روز اعلام وضعیت اضطراری کرد. با استمرار اعتراضات و حمله معترضان به برخی اماکن و تأسیسات دولتی، در روز ۱۹ اکتبر در برخی نواحی سانتیاگو حکومت نظامی اعلام شد. در روزهای بعد اعتراضات به شهرهای دیگر شیلی تسری یافت و حکومت نظامی نیز شهرها و مناطق بیشتری را در برگرفت. این اعتراضات که به سنگربندی خیابانی معترضان و خشونت پلیس انجامید، "بدترین ناآرامی‌های مدنی" از زمان پایان دیکتاتوری نظامی پینوشه نام گرفت. پینیئرا در همان روزها، در یک سخنرانی اعلام کرد: "کشور در جنگ با دشمنی نیرومند و سنگدل" است. این امر به خشم مردم دامن زد. "مسئله ۳۰ پزو نیست، مسئله ۳۰ سال است" شعار محوری معترضان بود. "۳۰ سال" اشاره‌ای بود به گذشت ۳۰ سال از پایان دیکتاتوری پینوشه و عدم تغییر وضعیت. افزایش قیمت بلیط مترو، در واقع، شراره‌ی اعتراض به افزایش فساد رایج در پلیس، ارتش، کلیسا و کنگره، خصوصی‌سازی و نابرابری طبقاتی را برافروخته بود. در ۲۵ اکتبر بیش از یک میلیون نفر در اعتراض به نابرابری‌ها و با درخواست کنارگیری پینیئرا به خیابان‌ها ریختند. باری تا اواخر دسامبر ۲۰۱۹، در اعتراضات ۲۹ نفر کشته، حدود ۲۵۰۰ نفر زخمی و ۲۸۴۰ نفر دستگیر شده بودند. به رغم سرکوب وحشیانه، اعتراضات ادامه یافتند و با اعتصابات سراسری کارگران رشته‌های مختلف همراه شدند. تا آنجا که سرانجام در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹، کنگره ملی شیلی توافقنامه‌ای را برای برگزاری referendum ملی جهت بازنویسی قانون اساسی در آوریل ۲۰۲۰ به تصویب رساند که به علت شیوع کرونا، به اکتبر ۲۰۲۰ موکول شد. در ۲۵ اکتبر بیش از ۷۸ درصد مردم به نفع قانون اساسی جدید رأی دادند. در مه ۲۰۲۱ انتخاب ۱۵۵ نماینده "کنوانسیون قانون اساسی" برگزار شد.

شکاف طبقاتی در شیلی تعمیق یافته و به یکی از نابرابرترین کشورها در آمریکای لاتین بدل گشته است. بنا بر برآوردها ۵ / ۲۶ درصد ثروت شیلی در دست یک درصد جمعیت است. در برابر ۵۰ درصد از خانواده‌های کم‌درآمد به ۱ / ۲ درصد امکانات دسترسی دارند. بخش‌های آموزش و بهداشت و بیمه‌های بازنشستگی در شیلی با شتاب فراوان خصوصی‌سازی شده‌اند. پس از شیوع پاندمی، در اوایل سال ۲۰۲۱، "کمبسیون اقتصادی سازمان ملل متحد برای آمریکای لاتین و کارائیب" هشدار داد که اقتصاد شیلی با یکی از بدترین بحران‌ها در تاریخ منطقه روبروست و تولید ناخالص داخلی آن در سال ۲۰۲۰ به ۶ درصد نزول یافته است. همچنین بیش از یک میلیون شغل نابود شده است و فقر مطلق به ۴ درصد رسیده است. در این میان، آمار انستیتوی ملی آمار نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته و به طور متوسط به ۷ / ۱۰ درصد رسیده است. به گزارش بانک جهانی، در آوریل امسال، ۳ / ۲ میلیون نفر به "افتشار آسیب‌پذیر اقتصادی" پیوسته‌اند. با بیکاری حداقل یکی از افراد خانواده، درآمد سرانه ۴۰ درصد کاهش یافته است.

در دوران پاندمی، حمایت‌های مالی مستقیم به خانواده‌ها نیز بسیار دیر و با بوروکراسی فراوان همراه شد. حمایتی که شامل بسیاری از خانواده‌ها از جمله کارگران بخش غیررسمی نشد. به رغم معضلات اقتصادی مردم، دولت به جای تحمیل بار بحران بر دوش بهره‌مندان اصلی، یک بار دیگر به صندوق‌های بازنشستگی دست‌درازی کرد. برای نمونه، در حالی که سود صنایع بانکداری در ۲۰۲۰ بالغ بر ۲۱۱ میلیون دلار بوده است، دولت به جای اخذ مالیات از ثروتمندان به صندوق‌های بازنشستگی دست‌درازی می‌کند.

از دیگر مشکلات مردم در شیلی مسئله آب است. شیلی با وجود واقع بودن در کنار اقیانوس آرام و روخانه‌ها و دریاچه‌هایش با کمبود آب روبروست. یکی از دلایل آن، تغییرات اقلیمی است، اما این فاجعه طبیعی با تملک سیستم اختصاص آب توسط کمپانی‌های خصوصی تشدید شده است. در نتیجه خصوصی‌سازی منابع آبی، هزینه آب برای مصرف‌کنندگان بسیار بالاست. طبق قانون آب مصوب ۱۹۸۱ در زمان پینوشه، حق آب می‌تواند به تملک بخش خصوصی درآید. تسهیلات آب‌رسانی شیلی امروزه در تملک شرکت‌های چند ملیتی از جمله "گروه سوئز" (فرانسوی)، "اکواس دی بارسلونا" (اسپانیایی) و "مورابنی" (ژاپنی) است. در سیستم کنونی، بیش از ۴۰ اداره دولتی در مدیریت منابع آبی نقش دارند که این امر به ضعف و نظارت چند پارچه در مدیریت منابع آبی انجامیده است. در نتیجه نه حق مردم بر آب

و نه سلامت اکوسیستم در اطراف حوضچه‌های آبی تأمین می‌شود. تعرفه‌های بالای آب به اعتراضات بسیاری انجامیده است؛ چرا که کمبود آب و تعرفه‌های گران به ویژه به مردم کم‌درآمد آسیب می‌رساند. از آن گذشته شرکت‌های معدنی و کشاورزی نیز در تقلا دست‌یابی به منابع ناچیز آبی هستند. اقتصاد شیلی عمدتاً به صادرات آووکادو، شراب و مس وابسته است. در ناحیه سانتیاگو، کشاورزی ۷۴ درصد از آب را به مصرف می‌رساند. صادرات مس و میوه در شیلی به معنای صادرات سالانه ۱۹۰۰ متر مکعب آب است. که ۴ / ۱ برابر مصرف سالانه آب آشامیدنی شیلیایی‌هاست.

"اکاست" رقیب بوریک در کارزار انتخاباتی خود وعده‌ی کاهش مالیات صاحبان سرمایه، خصوصی‌سازی بیشتر معادن مس، تشدید وضعیت فوق‌العاده و افزایش اختیارات رئیس جمهور، ایجاد اردوگاه برای بازداشت‌شدگان، ایجاد خنذقی برای ممانعت از ورود مهاجران، هماهنگی برای پیگیری و تعقیب "چپ‌های رادیکال"، ممنوعیت کامل سقط جنین، حذف کمک‌های اجتماعی برای زنان مجرد را داده بود، اما بوریک، نماینده چپ‌گرا، از تغییر از طریق "گام‌های آهسته اما استوار" سخن می‌گفت و در کارزار انتخاباتی خود وعده‌های مبهمی چون "دفن" اقتصاد بازار آزاد نئولیبرال دوران پینوشه، اخذ مالیات از ثروتمندان برای بهبود خدمات اجتماعی را می‌داد.

پس از سرآمدن دوران پینوشه، اولین رئیس جمهور دمکرات مسیحی، در برابر تقاضا برای رسیدگی به جنایات دوران پینوشه وعده "عدالت تا حد ممکن" را داد. یکی از اعتراضات نسل جوان در شورش اکتبر ۲۰۱۹، پایان دادن به مصونیت جنایتکاران دوران سبائستیان پینیئرا بود. همچنین از دیگر دلایل اعتراض عدم تغییر قوانین و به ویژه قانون اساسی از دوران پینوشه بود. با آن که اعتراضات دانش‌آموزان و سپس توده‌های مردم، کابینه پینیئرا را ناچار به عقب‌نشینی کرد، لیکن مؤثرترین ضربه را اعتصاب سراسری کارگران زد که پینیئرا و کنگره را به امضای "توافق برای صلح و قانون اساسی جدید" واداشت. توافق‌نامه‌ای که بار دیگر به جنایتکاران مصونیت می‌بخشید و بوریک در امضای آن نقشی کلیدی ایفا کرد. این نقش به همراه وعده‌های مبهم بوریک درباره رفرفرم‌های آتی، فاصله اندک آرای انتخاباتی کارزار "به کرامت انسانی رأی می‌دهم" با راست افراطی را توضیح می‌دهد. گذشته از آن که ترکیب نمایندگان "کنوانسیون" نیز لزوماً به دولت بعدی امکان تصویب رفرفرم‌های مورد نظرش را نمی‌دهد. در این انتخابات، راست‌گرایان ۳۷ کرسی را از آن خود کردند. کاندیداهای مستقل، در مجموع، ۴۷ کرسی، "لیست مردم"، متشکل از افراد مستقل چپ‌گرا، ۲۶ کرسی، "به منزلت رأی می‌دهم" همراه با "جبهه گسترده" و حزب کمونیست و "فدراسیون منطقه‌ای سبز سوسیال" روی هم ۲۸

انتخابات شیلی و نتایج که انتظار نمی‌رود

کرسی را به خود اختصاص دادند. ۱۷ کرسی نیز به ده گروه رسمی بومی اختصاص داده شده است. در تخمین اولیه، اکثریت نمایندگان را نیروهای چپ‌گرا و چپ میانه تشکیل می‌دهند، اما از آنجایی که تصویب قوانین به دو سوم آرای ۱۵۵ نماینده نیاز دارد، لزوماً این نیروها در تمامی موارد با یکدیگر توافق و هماهنگی ندارند. نتیجه‌گیری که از این انتخابات به دست می‌آید، روی‌گردانی مردم از احزاب قدیمی، به ویژه احزاب راست‌گرا، اما در عین حال گرایش به کاندیداهای مستقلی بود که از اعتراضات ۲۰۱۹ اقبال گرفته بودند. تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات نیز، از هم اکنون نشان می‌دهد که امید چندانی به نتایج حاصل از این "کنوانسیون" وجود ندارد، چرا که تعداد رأی‌دهندگان به تغییر قانون اساسی از ۵۱ درصد در اکتبر سال پیش به ۴۲ درصد هنگام انتخاب نمایندگان این کنوانسیون در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است.

ناگفته نماند که اعتراضات اخیر منجر به تشکیل "کنوانسیون قانون اساسی" از اکتبر ۲۰۱۹ آغاز شد، اما در سال‌های پیشین نیز اعتراضات توده‌ای و گروه‌های اجتماعی در شیلی در جریان بود. در جنبش دانشجویی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱، در شورش‌های منطقه‌ای و محیط زیستی، در اعتصابات معلمان، در جنبش‌های زنان، در مارش "نه به خصوصی‌سازی سیستم بانکداری"، در اعتراض به خصوصی‌سازی منابع طبیعی در میان خشکسالی، در مقاومت در برابر سرکوب مستمر دولتی در مناطق بومیان، در اعتصابات کارگران بخش‌های معادن، جنگلداری، پرورش ماهی و اسکله‌ها و بسیاری بخش‌های دیگر.

اکنون با توجه به تعمیق بحران اقتصادی به ویژه با پاندمی کرونا، قدرت بلامنزاع سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، انتظار نمی‌رود جای زیادی برای تحقق همان رفرم‌های معتدل بورژوازی بوریک وجود داشته باشد. فاصله اندک آرای راست‌گرایان و چپ‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری، نشان از عدم توهّم بخشی از مردم به تغییرات اساسی در وضعیت موجود است. آنچه مسلم است، استمرار مبارزات سالیان گذشته مردم برای تحقق مطالباتشان است، به رغم وقفه‌هایی که به علل مختلف در این مبارزات پدید آید.

پانویس:

* جبهه گسترده، خود ائتلافی است از ۵ حزب و جنبش سیاسی شامل "انقلاب دمکراتیک"، "همگرایی سوسیال"، "کمون‌ها"، "جنبش یونیر (اعضای سابق حزب سوسیالیست شیلی)" و "نیروی مشترک (اعضای سابق حزب سوسیالیست و سازمان‌های مستقل)" که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷ تشکیل شد.

** به علت مخالفت راست‌گرایان به جای "مجمع قانون اساسی" بر سر اصطلاح "کنوانسیون قانون اساسی" توافق شد.

مطلب رسیده از داخل کشور کرونا و دوز سوم واکسن در ایران

چندمیلیاردی رستوران‌های لوکس با قیمت‌های باورنکردنی و از طرفی بی‌خانمانی، پشت‌بام خوابی، اجاره‌نشینی در خانه‌های فرسوده و نداشتن قدرت پرداخت اجاره در تهران و کوچ کردن بسیاری از کارگران و زحمتکشان به حاشیه‌های اطراف تهران که مشقات بسیاری برای کارگران و مردم در طی مسافت علاوه بر مشکلات دیگر به وجود آورده است، بیکاری، نداشتن هزینه تحصیل کودکان، پیوستن کودکان بی‌شماری به بازار کار و هزاران هزار مشکلات دیگری که مردم با آن دست به گریبان‌اند به ما نشان می‌دهد. با این اوصاف نوع و زمان تزریق واکسن نیز، بسته به این‌که در کدام طبقه و در کدام اردو قرار داشته باشند متفاوت است. طبقه اول قبل از آن‌که خبر وجود بیماری را اطلاع‌رسانی کنند بهترین واکسن را می‌زنند و خیالشان از همه جهت راحت می‌شود. بعد از آن بر سر منبر می‌روند و چه عیب‌ها و ایرادهایی که در واکسن‌های خارجی پیدا نمی‌کنند (همان واکسن‌هایی که خودشان زده‌اند) و خرید این واکسن‌ها را برای مردم ممنوع می‌کنند. پس از شیوع شدید کرونا تبلیغ واکسن ایرانی شروع می‌شود ولی واکسن خارجی که کسی نمی‌داند از کجا آمده است در ناصرخسرو با قیمت سرسام‌آور به فروش می‌رسد. مردم که قدرت خرید این واکسن‌ها را ندارند، بنابراین باز هم نصیب قشر مرفه جامعه می‌شود. این را می‌گویند جامعه طبقاتی بدون کموکاست که واکسن هم در آن طبقاتی است. در حال حاضر اکثریت طبقه کارگر و زحمتکشان که در زیرخط فقر قرار دارند و در واقع اکثریت مردم ستم دیده را تشکیل می‌دهند، بر اثر فشارهای اقتصادی و معیشتی و کسر و کمبودهای عظیمی که در زندگی دارند، در فلاکت دائمی به سر می‌برند. انبوه کارگران و زحمتکشانی که زیرخط فقر زندگی می‌کنند مدام پر شمارتر و وسیع‌تر شده و بهمانند درخت تنومندی درآمده است که هر شاخه‌اش به قشری از جامعه تعلق دارد. تنه اصلی این درخت تنومند به کارگران تعلق دارد و بزرگترین و اصلی‌ترین شاخه‌های آن به زحمتکشان و رنج دیدگان و به معلمین و سایر اقشار و مردم زحمتکش و تهیدست جامعه. درخت تنومندی که در این سال‌های سیاه ظلم و جنایت بسیار قدرتمند و آگاه شده است و دیگر نمی‌تواند ونمی‌خواهد به زندگی در گرسنگی و تشنگی و فقر و فلاکت ادامه دهد. نیروهای امنیتی و سرکوب گره تیرخونی‌شان امروز به چشم مردم تیغ تیزی بیشتر نیست و دیگر نخواهد توانست ریشه‌های این درخت کهن مملو از خشم و کینه را از جا بکند و در اولین طوفان بزرگ خیابانی این درخت تنومند بر سر سرمایه‌داران و حاکمان جنایتکار فرو خواهد افتاد و رژیم جمهوری اسلامی سرمایه‌داری زیر سنگینی این درخت تنومند دفن خواهد شد. با امید به برپایی طوفان پر غرش کارگران و زحمتکشان و با امید به فرارسیدن جهانی آزاد و عاری از ظلم و ستم و طبقات.

تزریق سومین دوز واکسن کرونا در ایران مدتی است که شروع شده یعنی پس‌ازاینکه اومیکرون شیوع پیدا کرده است. البته طبق معمول روال همیشگی، وزیر بهداشت چندی پیش اعلام کرد؛ نمی‌دانم اومیکرون به ایران رسیده یا نه. این همان روشی است که از ابتدای شیوع کرونا دولت جمهوری اسلامی در پیش گرفته است. اما بالأخره با اعلام حضور بیماران مبتلا در بیمارستان‌ها، وزارت بهداشت هم این خبر را تأیید کرد. سرعت زدن دوز سوم واکسن هم بیشتر شد. مردم جهت تزریق دوز سوم واکسن به مراکز درمانی مراجعه کردند. به این ترتیب که از سنین بالا و بعد از گذشت سه ماه از تزریق دوز دوم، برای تزریق دوز سوم به مراکز درمانی مراجعه کنند. ولی طبق خبرهای انتشار یافته در شهرستان‌های اطراف تهران و برخی مناطق حاشیه‌نشین، مردمی که برای زدن واکسن مراجعه کرده‌اند متوجه شده‌اند که همان حجم واکسنی که در دوز دوم به دو نفر تزریق می‌کردند حالا برای پنج نفر استفاده می‌شود. زمانی که علتش را می‌پرسند مسئول مربوطه پاسخ می‌دهد، نمی‌دانم به ما این‌طور گفته‌اند. این بدان معنی است که مردم درست تشخیص داده‌اند و حجم کمتری واکسن دریافت کرده‌اند. چرا این‌طور است؟ شاید به خاطر ترس از کمبود واکسن باشد. شاید هم فکر می‌کنند مردمی که دیگر قادر به اجاره کردن خانه در تهران نیستند و بنابراین به شهرک‌های اطراف تهران برای زندگی کردن رفته‌اند، متوجه تغییر حجم واکسن نخواهند شد. حال آنکه در همان وهله اول چندین نفر برای تزریق به‌جای دوفقره، به پنج نفر معترض شدند. درست است که نظام سرمایه‌داری مردم را در فقر نگه می‌دارد چراکه فقر مانع آگاهی است و انسان گرسنه نمی‌تواند جز کار کردن برای سیر شدن به چیز دیگری در زندگی فکر کند و این عدم آگاهی مردم را، نظام سرمایه‌داری برای حفظ بقای خودش لازم می‌داند، اما علی‌رغم این فشارها و محدودیت‌ها، ابزار و سرعت و آگاهی در شرایط امروز با گذشته قابل قیاس نیست. امروز مردمی که مدت‌ها تحت ستم و تبعیض قرار گرفته‌اند در مبارزات و تجربه روزانه آگاهی خود را ارتقا داده و بخش‌های پیشروتر جامعه نیز به مرتبه خوبی از آگاهی و شناخت از حق و حقوق خود رسیده‌اند. این تصور به‌کلی غلط است که کسی فکر کند مردم فاقد اندیشه‌اند و از عهده تشخیص مسائل بر نمی‌آیند. بسیاری از حاشیه‌نشینان را کارگران و زحمتکشان، معلمین و کارمندان تشکیل می‌دهند و دارای افکار مترقی هستند و بلافاصله به‌خوبی متوجه کم بودن حجم واکسن شده‌اند. بسیاری از آن‌ها قادرند وقایع اجتماعی را از دیدگاه طبقاتی بررسی کنند. امروز به‌رستی می‌دانند که سرمایه‌داران، نیروهای امنیتی و اطلاعاتی و کلیه مزدوران و ثروتمندان و کل نیروهای حاکم در یک طبقه قرار دارند و در اردوی مقابل آن‌ها کارگران و معلمین و مردم زحمتکش قرار دارند. این را قصرهای ساخته‌شده در لوسان، برج‌های بالای شهر، ماشین‌های



۱۲ کارگر نفت در پی تصادف مرگبار جان باختند

صبح شنبه ۴ دی ماه ۱۴۰۰، یکی از خودروهای حامل کارگران یکی از شرکت های شاغل در میدان نفتی "یادآوران" دچار تصادف مهیبی شد و دست کم ۱۲ نفر جان باختند. ۱۵ کارگر هم به شدت مصدوم شده اند. این اتفاق مرگبار در پی تصادف زنجیره ای یک خاور، رانا، پژو، پراید با یک کامیون واژگون شده در جاده قدیم اهواز - خرمشهر روی داد. کارگرانی که با هزاران امید به کار و زندگی، صبح زود از منزل بیرون زدند اما ساعتی بعد جنازه شان به خانه بازگشت.

این اولین بار نیست که کارگران صنعت نفت و دیگر کارگران مراکز تولیدی به دلیل استفاده از خودروهای اسقاطی و غیر استاندارد در جاده های نا امن جان خود را از دست می دهند. برخورداری از وسایل حمل و نقل با استانداردهای قابل قبول یکی خواست های اعتراضی کارگران نفت طی سالیان گذشته بوده است. اما شرکت های دولتی و پیمانکاری بنا به خصلت سودبری بیش از حد از کارگران، همواره نسبت به این مطالبه برحق آنان بی تفاوت بوده و با استفاده از خودروهای کهنه و اسقاطی کارگران را به کام مرگ فرستاده اند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن تسلیت و همدردی عمیق با خانواده های کارگران جان باخته، دولت سرمایه داری حاکم بر ایران و شرکت های پیمانکاری سودجود را عامل اصلی اینگونه اتفاقات مرگبار می داند.

سازمان فدائیان (اقلیت) پیگیرانه از مطالبه برحق کارگران نفت و دیگر مراکز تولیدی در برخورداری از وسایل حمل و نقل قابل قبول حمایت کرده و تاکید دارد که دولت و شرکت های پیمانکاری مسئول سلامت و جان و زندگی کارگران بوده و موظف به تامین اتومبیل های استاندارد برای حمل و نقل کارگران می باشند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۵ دی ماه ۱۴۰۰

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی



زنده باد سوسیالیسم

کار- نان- آزادی- حکومت شورایی

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



سرکوب و "طناب‌های بر گردن" رژیم جنایت و کشتار را نجات نمی‌دهد!

روز یکشنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۰ جلادان رژیم، چهار زندانی سیاسی (حیدر قربانی، عبدالخالق سالارزهی، نعیم شه بخش و هادی شهریار) را که سالها در بند بودند به دار آویختند تا در ماندگی خود را با سیاست ایجاد رعب و وحشت جبران کنند. سیاستی که بعد از روی کار آمدن رئیسی جلاد ده ها اعدامی در کارنامه و وجهه اصلی و تنها راه بقای حاکمیت ننگین شان است. به این ترتیب یکشنبه سیاه و خونینی بر کارنامه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی افزوده شد.

حیدر قربانی، زندانی سیاسی اهل شهرستان کامیاران، بامداد یکشنبه به اتهام «بعی» در زندان سنندج اعدام شد. پس از نزدیک به ۵ سال زندان و شکنجه و اعتراف‌های اجباری، بی آنکه فرصت آخرین وداع را با خانواده اش داشته باشد، شبانه بدار آویخته و مخفیانه دفن شد. آدمکشان اسلامی خانواده قربانی را به دروغ برای دیدار فراخواندند، ولی به آنها خبر اعدام در صبحگاه و محل دفن جسدش را در بهشت محمدی سنندج نشان دادند.

اعدام حیدر قربانی در شرایطی صورت گرفته است که او پس از یکسال بازداشت و شکنجه در سلول‌های انفرادی، مجبور به تسلیم و اجرای سناریوی دستگاه امنیتی شده بود. این اعترافات در اسفند ماه ۹۵ از شبکه پرس تی وی انتشار یافت. کوتاه زمانی پس از آن، حیدر و همراه بازداشتی او، همه ی اعترافات را اجباری و تحت شکنجه و کذب محض میخوانند. تلاشها برای لغو حکم اعدام حیدر گسترش مییابد. نامه ها و طومارها به مقامات حکومتی نوشته میشود، قول و قرارهایی مبنی بر دادرسی مجدد داده میشود، اما قاتلان که برای طنابهایشان دنباله گردن میگردند، شبانه حیدر را به دار آویختند.

در مقابل این سببیت و جنایت، علیرغم فشارها و تهدیدهای دستگاههای امنیتی رژیم، مردم شهر کامیاران در مقابل خانه ی حیدر قربانی تجمع کرده همبستگی خود را با خانواده قربانی و نفرت از وحشیگری رژیم را نشان دادند. همبستگی ای که یاد آور اعتصاب عمومی مردم در کردستان بعد از اعدام شوانه سید قادری، فرزند کمانگرو همراهانش در کردستان بود. همچنین همبستگی ای که نشانه شکست رژیم اسلامی در ترساندن و به عقب راندن جنبش اجتماعی و مطالباتی مردمان ایران در سراسر کشور است. جنبشی که اینک با اعتصاب بزرگ معلمان در بیش از ۱۲۰ شهر کشور در هفته گذشته و با تظاهرات باشکوه فرهنگی شیراز و شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد" گامی بزرگ برای پیوند جنبش های مطالباتی و سیاسی برداشته است. جنبشی که پس از سرکوب تحصن دو هفته ای کشاورزان و مردمان تشنه اصفهان، بر بستر اعتصابات بزرگ هزاران کارگر بیمانی نفت و اعتصابات، اعتراضات، تظاهرات و اکسیونهای مستمر کارگران هفت تپه، فولاد، معادن و اعتراضات مستمر بازنشستگان و مالباختگان و کشاورزان و .. برخاسته است و می رود که در کنار جنبش های دادخواهی خانواده های خاوران، جنبش آبان و قربانیان جنایت های چهل و اندی ساله ی حکومت اسلامی، طوفان گسترده و عظیمی را سامان دهد که تمام بنیانهای رژیم سرمایه داری اسلامی را نابود کند.

در همین حال در چند روز گذشته، شاهد دستگیری رسول بداعی و لیلا حسین زاده بوده ایم. از شرایط این دو فعال معلمان و دانشجویان خبری در دسترس نیست. بنا به گزارشات، هردوی این بازداشت شده گان، بشدت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته و احتمالاً در بند ۲۰۹ زندان اوین در همسایگی هیراد پیردانی و نرگس محمدی زندانی و تحت بازجویی و شکنجه اند. و نیز چهل و هفت تن از زندانیان بند سیاسی زندان ارومیه هشتمین روز اعتصاب غذای خود را پشت سر گذاشتند. این زندانیان که روز یکشنبه ۲۱ آذرماه در اعتراض به دستور رئیس زندان مبنی بر انتقال ساکنین این بند به بند جدید بدون امکانات و فضای کافی اعتصاب غذا کرده بودند با انتشار یادداشتی مشترک اعلام کرده اند که تا زمان اعلام رسمی مسئولان زندان مبنی بر لغو انتقال به بند جدید به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، اعدام جنایت کارانه حیدر قربانی و سایر زندانیان سیاسی را بشدت محکوم میکند و از همه مردم ایران، از همه نیروهای انسانیست و آزادیخواه درخواست می کند که علیه این رژیم جنایتکار و مائست کشتار و جنایت دولت اسلامی به اعتراض برخیزند. نباید گذاشت صدای آزادیخواهی، حق طلبی، مطالبه خواهی، عدالت و انسانیت خفه شود، نباید گذاشت که جنایتکاران بهترین فرزندان این کشور را به جرم مقابله با جنایت و غارت و تبعیض و ستم به زندان و شکنجه و دار بسپارند، نباید صدای زندانیان محبوس در ارومیه، صدای سپیده ولیلا و رسول و هیراد و اسماعیل و سایر زندانیان خاموش شود، باید صدای رسای این زندانیان، صدای رسای آزادی، برابری، انسانیت و رهایی از حکومت دارو داغ و شکنجه باشیم. ما همه ی انسانهای مسئول، آگاه، مبارز و آزادیخواه را به اقدامات گسترده در هر جای جهان و به هر گونه که میسر و موثر است برای اعتراض به سرکوب و زندان و اعدام فرامیخوانیم.

زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

دوشنبه ۲۹ آذر ماه ۱۴۰۰ - ۲۰ دسامبر ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

با پوزش از خوانندگان نشریه کار، در شماره ۹۵۰ نشریه کار اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ کمونیست تحت عنوان "از اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان پیگیرانه حمایت کنیم!" ناقص انتشار یافته بود. در این شماره کامل آن مجدداً درج می‌شود.



اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان پیگیرانه حمایت کنیم!

اعتصاب و اعتراضات سراسری معلمان طی روزهای ۲۰ و ۲۱ آذر ۱۴۰۰، بار دیگر جلوه ای از همبستگی، همدلی و پیگیری مطالباتی معلمان را به نمایش گذاشت. اعتصاب سراسری معلمان که شورای هماهنگی کانون های صنفی فرهنگیان فراخوان آن را داده بود، به طور همزمان در ۱۱۰ شهر برگزار شد. اعتصاب و اعتراضاتی که در روز دوشنبه ۲۲ آذر نیز هرچه باشکوهتر ادامه یافت و در مقیاس سراسری در بسیاری از شهرهای ایران در مقابل اداره آموزش و پرورش و در تهران مقابل مجلس ارتجاع اسلامی صورت گرفت.

اجرای طرح رتبه بندی شاغلان به صورت کامل (هشتاد درصد حقوق هیئت علمی) و همسان سازی بر پایه حداقل ۱۳ میلیون تومان برای بازنشستگان، از جمله اصلی ترین مطالبات معلمان است که تشکل های معلمان از مدت ها پیش برای تحقق آن به اعتصاب و اعتراض سراسری روی آورده اند. امنیت شغلی برای معلمان پیش دبستانی، آموزش یاران نهضت سوادآموزی، معلمان خرید خدمات آموزشی و معلمان شاغل در بخش خصوصی، توقف خصوصی سازی، تاکید بر حق تحصیل رایگان، آموزش با کیفیت، پایان دادن به پرونده سازی های امنیتی علیه معلمان، بازگشت به کار معلمان اخراجی و همچنین آزادی معلمان دستگیر شده از جمله دیگر مطالبات معلمان است که اجرا و تحقق این خواست ها در هر اعتصاب و اعتراض سراسری معلمان به گوش می رسد.

ویژگی های این دوره از اعتصابات معلمان، همانا تداوم اعتصاب، گستردگی حضور معلمان در اعتصاب و سراسری بودن اعتراضات آنان در شهرهای مختلف کشور است. به رغم بگیر و ببندها، از جمله بازداشت اخیر رسول بدایق و ایجاد موانع و تضییقات سرکوبگرانه ای که هر بار طی روزهای پیش و پس از برگزاری اعتراضات سراسری معلمان بر آنان اعمال می شود، اعتصاب و اعتراضات سراسری آنان در روزهای اخیر باز هم بسیار گسترده تر، پرشکوتر و رادیکال تر از اعتصابات و اعتراضات پیشین برگزار شد. در واقع، تداوم اعتصاب، گستردگی و افزایش حضور چشمگیر معلمان در اعتصابات و اعتراضات سراسری آنان، بیانگر این حقیقت است که سرکوب، تهدید، بازداشت و پرونده سازی های امنیتی، تاثیر و کارایی خود را از دست داده و جنبش اعتراضی معلمان همراه با دیگر جنبش های اجتماعی به تاسی از شرایط موجود در جامعه و به فراخور تعمیق و تشدید بحران های حاکم بر جمهوری اسلامی، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی به درجه بالاتری از اعتصاب و اعتراضات خیابانی ارتقاء یافته اند.

همراهی دانش آموزان با معلمان اعتصابی، حضور گسترده و چشمگیر معلمان زن در اعتصابات کنونی، پشتیبانی و ورود توده های غیر معلم به صفوف اعتراضی معلمان و نیز افزایش وزن سیاسی اعتراضات و اعتصابات اخیر معلمان، از جمله ویژگی های برجسته اعتصابات سراسری آنان در روزهای ۲۰، ۲۱ و ۲۲ آذر بوده است. ویژگی بسیار ارزنده ای که باید بدان توجه نمود و پیگیرانه در مسیر گسترش و تعمیق آن نیرو گذاشت. اگرچه اعتصابات سراسری معلمان، مجلس ارتجاع اسلامی را وادار به تصویب طرح رتبه بندی معلمان، آنهم به صورت نیم بند کرد، اما این ترفند جمهوری اسلامی که با هدف ایجاد شکاف در صفوف مبارزاتی معلمان و همچنین ایجاد تردید در ادامه اعتصابات و اعتراضات سراسری آنان بود، با موضع گیری سریع و به موقع کانون صنفی معلمان در نطفه خفه شد.

محمد حبیبی، سخنگوی کانون صنفی معلمان، روز چهارشنبه ۲۴ آذر، در واکنش به تصویب نیم بند طرح رتبه بندی گفت: "آنچه که امروز در مجلس تصویب شد یک سرهم بندی بود، نه طرح رتبه بندی. این طرح مورد تایید معلمان و تشکل های صنفی فرهنگیان نیست و **تجمعات سراسری معلمان تا رسیدن به مطالبه مطلوب ادامه خواهد داشت**". روشن است، با تصویب نیم بند طرح رتبه بندی و بودجه ناچیزی که برای اجرای آن لحاظ شده است، تغییر چندان در وضعیت معیشتی معلمان رخ نخواهد داد و اکثریت مطلق معلمان همچنان در فقر معیشتی باقی خواهند ماند. علاوه بر این، دولت هم آب پاکی را بر سر این مصوبه مجلس ریخت و اعلام کرد که اساسا هیچگونه بودجه ای برای اجرای همین مصوبه "سرهم بندی" شده مجلس ندارد. در چنین وضعیتی، فرهنگیان کشور برای تحقق مطالبات بر حق خود راهی بجز تشدید مبارزه و تداوم بخشیدن به اعتصابات سراسری خود ندارند.

به رغم پیشرفت های غیر قابل انکاری که جنبش اعتراضی معلمان تاکنون داشته است، اما هنوز این جنبش از حمایت عملی توده های مردم ایران و دیگر جنبش های اجتماعی بخصوص جنبش کارگری برخوردار نیست. پوشیده نیست، تحقق مطالبات معلمان تاثیرات مستقیمی در بالا رفتن امنیت شغلی آنان، پرهیز از چند شغلی، ایجاد آرامش و داشتن فراقت بیشتر برای ارتقاء علمی خود و ارتقاء سطح آموزش و پرورش دانش آموزان خواهد بود. لذا، ارتقاء سطح معیشتی معلمان، امنیت شغلی و نیز تحقق مطالبات آنان با سرنوشت آتی دانش آموزان، اولیای آنان و به طریق اولی با ارتقاء آموزش و فرهنگ کل جامعه مرتبط است. حال با توجه به مجموعه شرایط موجود، آنگونه که سخنگوی کانون صنفی معلمان گفته است، آنان تا تحقق مطالبات شان، راهی بجز پیشبرد اعتصاب و اعتراضات سراسری ندارند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، دفاع از مطالبات معلمان را وظیفه خود و همه نیروهای آگاه و مترقی جامعه می داند و بر این باور است که حمایت و همبستگی دیگر جنبش های اجتماعی، بخصوص جنبش کارگری، و همچنین همراهی و همدلی دانش آموزان و اولیای آنان با مطالبات فرهنگیان، تکیه گاه موثری برای پیشبرد اعتراضات و اعتصابات سراسری معلمان خواهد بود.

گسترده باد اتحاد و همبستگی معلمان
معلم، کارگر، دانشجو! اتحاد اتحاد!
زندانی سیاسی بی قید و بی وثیقه آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۲۶ آذر ماه ۱۴۰۰ برابر با ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

چرایی و چشم‌انداز تشدید تضادها در درون هیات حاکمه

سیراب و بسیج کند، نه می‌تواند قیمت‌ها را کنترل کند که از واقعیات اقتصادی پیروی می‌کنند و نه می‌تواند توده‌های از جان گذشته را که کارد به استخوان‌شان رسیده به خانه‌ها برگرداند.

در نتیجه چشم‌اندازی جز تشدید بحران سیاسی و همپای آن بحران اقتصادی رکود - تورمی وجود ندارد و این وضعیت تأثیر و بازتاب مستقیمی در درون هیات حاکمه خواهد داشت، به نحوی که از "دولت یکنست" چیزی باقی نخواهد گذاشت.

در همین هفته، نامه "محرمانه" جنتی به علی لاریجانی در رابطه با رد صلاحیت وی و پاسخ علی لاریجانی به جنتی در رسانه‌های جمهوری اسلامی بازتاب یافت. اگر جمهوری اسلامی به جایی رسیده است که دیگر حتماً برای افرادی همچون علی لاریجانی نیز جایی در حکومت نیست، بیش از هر چیز به دلیل بن‌بست‌ها و شکست‌های سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی است که باعث می‌شود دایره افراد و نقش‌آفرینان در دولت کمتر و کمتر شود.

یادمان نرفته است که در زمان ریاست جمهوری خاتمی، علی لاریجانی پست ریاست صداوسیما را یک می‌کشید و به اعتبار این پست در جلسات کابینه شرکت می‌کرد. اما مواضع او آنچنان علیه جریان "اصلاح‌طلبان" بود که خاتمی در مقطعی حضور او در جلسات کابینه را ممنوع کرد!! و با مجلس ششم به دلیل مواضع وی در زمان ریاست بر صداوسیما، طرح تقصص از صداوسیما به دلیل تخلف مالی ۵۲۵ میلیارد تومانی را کلید زد، اما قوه قضاییه که در دست "اصولگرایان" بود گزارش مجلس اسلامی را نادرست اعلام کرد. اما امروز علی لاریجانی به این دلیل ساده که در اثر شکست‌های جمهوری اسلامی و چشم‌انداز فروپاشی حکومت اسلامی، خواهان تغییراتی در سیاست حاکم شده، از دایره حکومتی که وی سالیان سال به نمایندگی از "اصولگرایان" پست ریاست در ارگان‌های متعدد آن را داشته، کنار گذاشته شده است.

جمهوری اسلامی نه می‌تواند با چماق و آمارسازی‌های دروغین و جعل واقعیات در دستگاه‌های تبلیغاتی خود بر بحران اقتصادی رکود - تورمی مهار بزند و نه می‌تواند جنبش اعتراضی بپاخاسته علیه حاکمان جبار و ظالم را سرکوب کند. انتصاب رئیسی به عنوان رئیس جمهور و به دست گرفتن امور اجرایی توسط کابینه فشل آن، خود بیان‌گر اوج بحران و به بن‌بست رسیدن جمهوری اسلامی است، بحرانی که سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از نتایج آن خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا و به نقل از یک فروشنده، "قیمت آجیل نسبت به سال گذشته ۲ برابر شده و مشتریان نیز عمدتاً افراد طبقه مرفه جامعه هستند. افراد کم درآمد تمایلی به خرید آجیل ندارند و اگر خریدی هم داشته باشند، حدود ۱۰۰ گرم تخمه یا پسته است". قیمت آجیل چهار مغز به ۳۳۰ هزار تومان رسید و انار با کیفیت خوب کیلویی ۱۰۰ هزار تومان قیمت خورد!!

آن‌گاه ابراهیم رئیسی روز شنبه در جلسه "ستاد ملی مقابله با کرونا" با واقاحت تمام در رابطه با گرانی دارو می‌گوید: "این‌گونه گرانی‌ها که رنج مضاعفی بر بیماری است به هیچ عنوان پذیرفتنی نیست و نباید اتفاق بیافتد و لازم است وزارت بهداشت و درمان با جدیت آن را پیگیری کند و اجازه ندهد افراد سوداگر در زمینه گرانی اقلام دارویی فعال شوند". سخنان وی از جنس همان "دستوری" است که قبلاً در رابطه با ممنوعیت "افزایش بهای خودرو" داده بود و تنها چند روز آن هم بر روی کاغذ "دستور" وی "دستور" باقی ماند.

او البته در این مدت کوتاه از این گونه "افاضات" زیاد داشته است. او به‌گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا تصمیمات کابینه او هیچ نقشی در افزایش سرسام‌آور بهای کالاها نداشته است و این تنها چند نفر افراد سودجو هستند که موجب افزایش بهای دلار و گرانی دارو و غیره شده‌اند!! اما برخلاف مَهمل‌بافی‌های وی، برهمگان آشکار است که این تازه از نتایج اولیه افزایش بهای نرخ تسعیر دلار از ۴۲۰۰ تومان به ۲۳ هزار تومان در اقتصاد از هم گسیخته ایران است.

مقامات جمهوری اسلامی از جمله ابراهیم رئیسی می‌خواهند با چماق قیمت‌ها را کنترل کنند. آن‌ها همچنین می‌خواهند با چماق کارگران، معلمان، بازنشستگان، کشاورزان و دیگر زحمتکشان جامعه را که از فقر و بیکاری به تنگ آمده و به خیابان آمده‌اند به خانه‌ها برگردانند. از همین روست که لایحه بودجه ۱۴۰۱ بیش از هر چیز لایحه‌ایست برای سیراب کردن مزدوران دستگاه‌های نظامی، تبلیغاتی و مذهبی جمهوری اسلامی برای تقویت دستگاه سرکوب و تحمیق مذهبی.

اما هر قدر که جمهوری اسلامی مزدوران خود را

جلسه کابینه گفت: "هماهنگی کامل در دولت در زمینه اطلاع‌رسانی ضروری است. اعلام مواضع و اطلاع‌رسانی از مسائل مرتبط با دولت باید کاملاً با هماهنگی سخنگوی دولت انجام شود. مدیر و محور اقدامات و برنامه‌های اقتصادی دولت شخص معاون اول رئیس‌جمهور است و هرگونه اطلاع‌رسانی در خصوص مباحث اقتصادی نیز باید با هماهنگی وی باشد". جالب آن‌که محسن رضایی در سخنان خود به تأکید ابراهیم رئیسی برای افزایش یارانه در سه ماه آخر سال اشاره کرده بود.

برخلاف سخنان "ساده‌اندیشانه"ی ابراهیم رئیسی، این مشکل به دلیل عدم هماهنگی در اعلام سیاست‌های اقتصادی در اعضای کابینه نیست، بلکه به دلیل اوضاع وخیم سیاسی - اقتصادی و همچنین تردید در نتایج سیاسی و اجتماعی این سیاست‌ها و تأثیرات آن در تشدید بحران اقتصادی است.

لایحه بودجه ۱۴۰۱ یک نمونه روشن است. هم اکنون در مجلس "انقلابی" که قرار بود با کابینه "انقلابی" کاملاً هماهنگ باشد، صداهایی در اعتراض به بودجه شنیده می‌شود. هر چند که رسانه‌های وابسته به سپاه و کابینه در تلاش هستند تا نتایج وخیم بودجه ۱۴۰۱ بر اقتصاد و معیشت کارگران و زحمتکشان را زیر الفاظ دروغین پنهان کنند، اما موضوع آن‌قدر روشن و آشکار است که از نمایندگان مجلس تا مرکز پژوهش‌های مجلس نسبت به نتایج لایحه بودجه هشدار داده‌اند.

جمهوری اسلامی به‌خوبی می‌داند که سیاست‌های اقتصادی حاکم بر بودجه چه نتایج وخیمی بر اقتصاد غرق شده در بحران اقتصادی رکود - تورمی و معیشت کارگران و زحمتکشان به همراه خواهد آورد، و به همین دلیل ترس از نتایج سیاسی و اجتماعی آن تردید و تشنگی در درون هیات حاکمه را افزایش داده است.

افزایش بهای دارو، تخم‌مرغ و دیگر ضروریات زندگی کارگران و زحمتکشان تنها بعد از ارائه لایحه بودجه به مجلس اسلامی، بیان‌گر چشم‌انداز تیره افزایش تورم در سال پیش‌رو است. به گفته‌ی نایب‌رئیس انجمن داروسازان ایران (خبرگزاری ایسنا) با حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی بهای داروهای خارجی ۷ برابر و داروهای داخلی ۴ برابر خواهند شد.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه در خبری تحت عنوان "افزایش غیرقانونی قیمت تخم‌مرغ طی دو سه روز اخیر" به نقل از ناصر نبی‌پور رئیس هیات مدیره اتحادیه مرغ تخم‌گذار استان تهران نوشت: "با برداشته شدن ارز ۴۲۰۰ تومانی نهاده‌های دامی، قیمت این محصولات تقریباً ۶ برابر می‌شود و به شدت بر روی قیمت تمام شده تخم مرغ تأثیر می‌گذارد. مرغداران به دنبال تأمین نهاده‌های دامی هستند اما حتی با قیمت محاسبه شده با ارز نیمایی نیز در بازار مشاهده نمی‌شود و نهاده‌ها در بازار احتکار شده و برای خرید در دسترس نیست".



چرایی و چشم‌انداز تشدید تضادها در درون هیات حاکمه

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)
نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب
بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه
کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های
سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 951 December 2021

وزیر اقتصاد کابینه در گفتگو با خبرگزاری ایرنا
خبر اعلام شده از سوی رضایی را تکذیب کرد و
گفت: "در خصوص زمان تغییر یارانه‌ها و
افزایش میزان پرداخت یارانه‌ها، هیچ تاریخ
دقیقی تعیین نشده است".

در پی انعکاس وسیع سخنان متناقض این دو
عضو کابینه در رسانه‌های جمهوری اسلامی،
ابراهیم رئیسی روز چهارشنبه اول دی‌ماه در

در صفحه ۱۳

را برای سال آینده دوبرابر کنیم، اما آقای رئیس
جمهور تاکید کرد که افزایش یارانه‌ها برای سه
ماه باقی‌مانده سال نیز اعمال شود. مسئولان
اجرائی تلاش خواهند کرد که در سه ماه
باقی‌مانده سال نیز یارانه‌ها را دو برابر کنند و
اگر این طرح به‌خوبی انجام شود هر خانوار ۴
نفره ۸۰۰ هزار تومان کالا و پول دریافت خواهد
کرد".

یک روز بعد سه‌شنبه ۳۰ آذر، احسان خاندوزی



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های
زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که
برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه
۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای 24 ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی ،
کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و
تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای ، برابری ، پرتو و حزب کمونیست ایران/
کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد . برنامه های
تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های
اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه
های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت 90 دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه
های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه ، چهارشنبه و جمعه از
ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه ، پنجشنبه ، شنبه و یکشنبه
از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست
پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار
خواهد بود :

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .

FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید .
مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical/ عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی